

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## جزوه انارپیشه اسلام

(مباحث توحید و معاد)

دانشگاه آزاد اسلامی / واحد یادگار امام

تابستان ۹۶

بختیاروند

سوره نحل؛ آیه ۹۷

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هر کس عمل صالح کند، در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم، و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد.

آدرس کانال تلگرام کلاس های من: @dorosab

## فهرست اجمالی

۳	بخش اول: توحید.....
۳	درس اول: کمال جوئی انسان و اهمیت مبانی فکری او.....
۳	اهمیت فراگیری مباحث اعتقادی.....
۶	درس دوم: اهمیت دین پژوهی و معرفت خداوند.....
۷	درس سوم: نقش دین و آموزه های دینی در زندگی بشر.....
۹	درس چهارم : بررسی علل دین گریزی و انحراف از ایمان به خداوند.....
۱۳	درس پنجم: برهان های اثبات خداوند.....
۱۵	درس ششم: برهان امکان و وجوب.....
۱۷	درس هفتم: فطرت.....
۲۱	درس هشتم: یکتائی خداوند.....
۲۴	درس نهم: صفات الهی.....
۲۸	درس دهم: جبر و اختیار.....
۳۱	درس یازدهم: عدل الهی.....
۳۴	بخش دوم: معاد.....
۳۴	درس اول: اهمیت اعتقاد به معاد و آثار باور به آن.....
۳۸	درس دوم: اثبات نفس و مجرد آن.....
۴۴	درس سوم: اثبات معاد.....
۴۹	درس چهارم: بررسی برخی شبهات و پرسش های معاد.....
۵۳	درس پنجم: بهشت و بهشتیان - جهنم و جهنمیان.....

## بفش اول: تومید

### درس اول: کمال جوئی انسان و اهمیت مبانی فکری او

اهداف فراگیری این درس:

۱. آشنائی با معنای کمال جوئی انسان.
۲. باور به تأثیر آرمان خواهی به عنوان اولین نقطه پرواز.
۳. باور به اینکه هیچ مقصودی بدون حرکت بدست نمی آید.
۴. حرکت بدون معرفت، رونده را به بیراهه کشانده و از مقصد دور می کند.
۵. رسیدن به کمال و سعادت، ریشه در باورها دارد.
۶. باور دینی، نقش مهمی در ارائه و تشخیص اعتقادات درست دارد.
۷. آشنائی بر برخی مبانی فکری انسان و تأثیر آنها در رفتار بشر

### اهمیت فراگیری مباحث اعتقادی

سه قانون

۱. بین اعتقاد و عمل رابطه مستقیم وجود داشته و اعمال ما ساخته افکار و اندیشه های ما هستند.
۲. اخلاق و احکام فرع اعتقادات و باورها هستند.
۳. نگاه توحیدی سرچشمه همه خوبی ها و شرک منشأ همه بدی هاست.

توضیح قانون اول

سوار تاکسی می شوید. یک کیف پول در جلوی پای شما، زیر صندلی وجود دارد ... واکنش شما چیست؟  
آرش عجله دارد که خود را به مرحله آخر مسابقه دوچرخه سواری برساند، در بین راه، چشمش به عابری مسن می افتد که پایش در گودال گیر کرده است. شاید پایش شکسته باشد. میوه هایی که خریده بود نیز بر زمین پخش شده اند ....

توضیح قانون دوم

باید و نباید های روابط اجتماعی، سیاسی، ازدواج و ... چیست؟

کمک به غیرهموطنان، یا کسانی که با شما هم آیین نیستند درست است یا غلط؟

باید و نبایدهای اخلاق جنسی چیست؟

آیا می توان افراد جامعه را به شهروندان درجه یک و دو تقسیم کرد؟

توضیح قانون سوم

حضرت یوسف علیه السلام به همنشینان خود در زندان فرمود:

«آیا اربابان و خدایان مختلف داشتن بهتر است و یا پیروی از یک خدای یکتایی که بر همه چیز سلطه و توانایی دارد؟».

برای مطالعه و تفکر:

"بررسی نظرات مختلف در مورد انسان و تأثیر آنها در تفاوت رفتاری انسان‌ها"

انسان شناسی و نوع نگاه به «ماهیت انسان» تأثیر فراوانی در رفتار ما نسبت به همنوعانمان دارد.

در نگاه به انسان سه دیدگاه وجود دارد. افراطی، تفریطی و متعادل.

توضیح دیدگاه افراطی

پیروی از این دیدگاه باعث دور ماندن از دستورات الهی و گم شدن اخلاق و معنویت در زندگی انسان می شود. انسان هائی که در این مکتب تربیت می شوند، هر چند ممکن است به پیشرفت هائی از نظر علم و تکنولوژی برسند، اما با توجه به نادیده گرفته شدن برخی از ابعاد روحی بشر مانند پرستش خداوند و در مقابل بزرگنمائی بعد علمی، انسانی کاریکاتوری ساخته می شوند که در دراز مدت دچار بحران پوچ گرائی و افسردگی و خستگی از زندگی ماشینی خواهند شد.

توضیح دیدگاه تفریطی

در این دیدگاه زندگی انسان در لذت های مادی و شهوانی سپری می شود.

در این نگاه می توان به افکار امثال فروید و یا هابز اشاره کرد.

هابز انسان را گرگ انسان می دانست. «اگر تو پاره نکنی، دیگران تو را پاره می کنند».

فروید، منشأ همه بد اخلاقی ها و خشونت ها را عقده های جنسی می دانست.

تفریط گرایان باعث جنگ های فراوان در تاریخ بشر و از بین رفتن خانواده در جهان شدند.

معرفی کتاب: جنگ علیه خانواده دکتر ویلیام گاردنر.

جوان معاصر در تفکر غرب .....

«جوانی که از بی هدفی دائمی در رنج بوده است، اینک با معتاد شدن از ساختاری برخوردار گردیده است. ذهن او دائماً مشغول است به اینکه چگونه از دست پلیس ها فرار کند، از کجا مواد تهیه کند و از چه کسی؟ همه اینها برعکس جهان خالی و بدون ساختار قبلی، مشغله ای برای او ایجاد می کند که همه خلأ زندگی اش را پر می کند» (تافلر، موج سوم، ص ۵۱۶).

توضیح نگاه متعادل

انسان موجودی با دو بعد ملکی و ملکوتی است. انسان هم دارای ابعاد گیاهی و حیوانی است و هم دارای بعدی است که او را با گیاه و حیوان متمایز می کند. انسان دارای قوه‌ای به نام عقل است که چراغ راه او در تبیین جهان و تشخیص خوبی‌ها و بدی‌هاست.

تحقیق: تأثیر باورهای انسان بر شغل و حرفه او را بررسی کنید.

توضیح: تفاوت معماری دینی با غیر دینی، تفاوت طب دینی و غیر دینی، ....

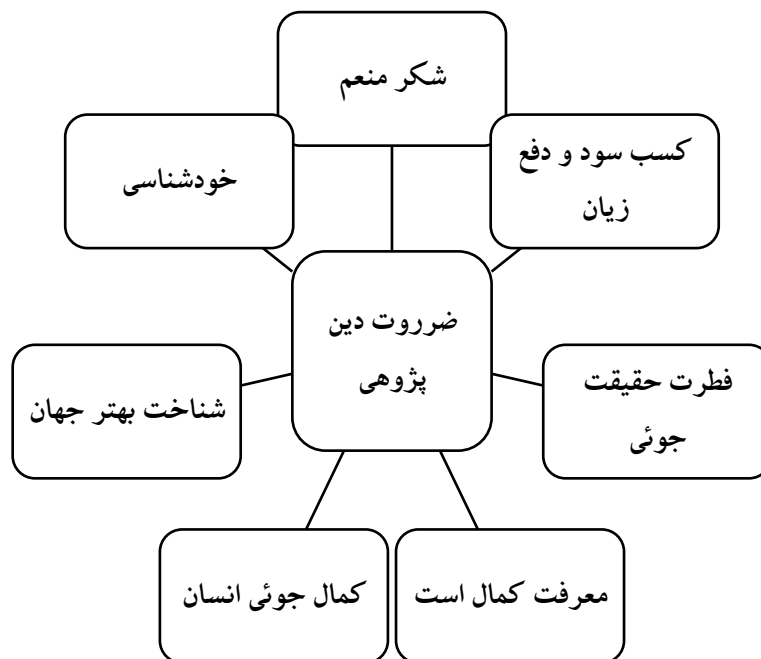
## درس دوم: اهمیت دین پژوهی و معرفت خداوند

اهداف فراگیری این درس:

۱. آگاهی از ارتباط باورها و اعتقادات با رفتار بیرونی.

۲. پی بردن به اهمیت دین پژوهی و خداشناسی

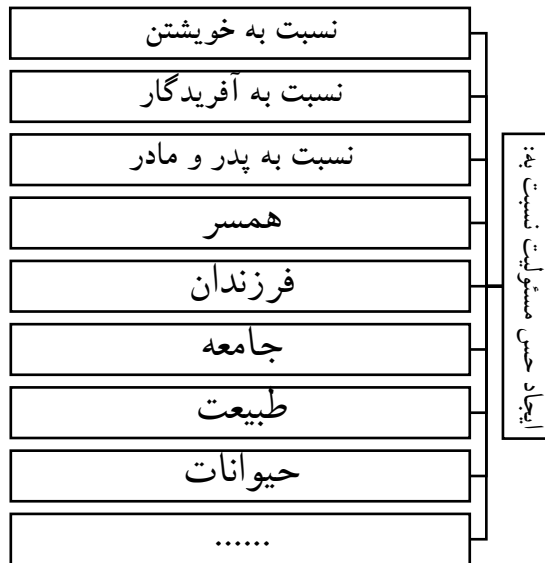
دین پژوهی و «خداشناسی» چه ضرورتی دارد؟



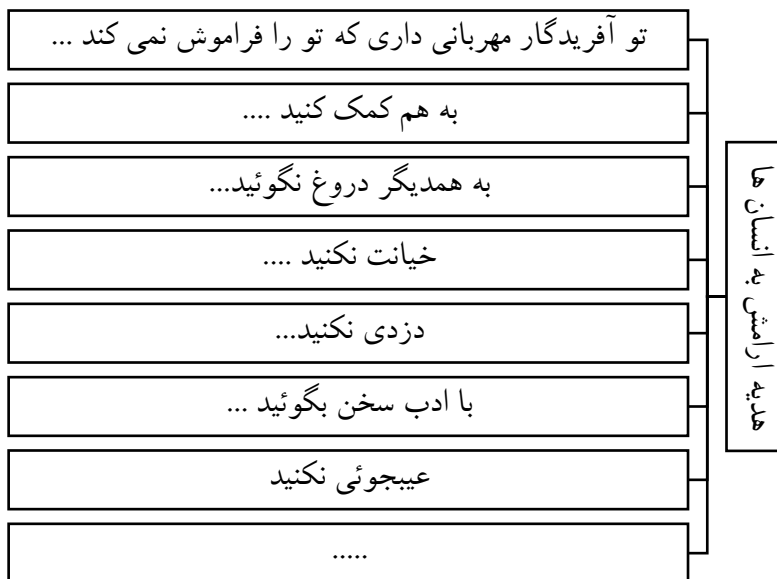
## درس سوم: نقش دین و آموزه های دینی در زندگی بشر

قبل از شروع درس، برخی بحران های روحی بشر (مانند افسردگی، ناامیدی، کینه ورزی، دگرآرایی، خودکشی و...) را علت یا بن کرده و راه کارهایی برای حل آنها پیشنهاد بدهید.

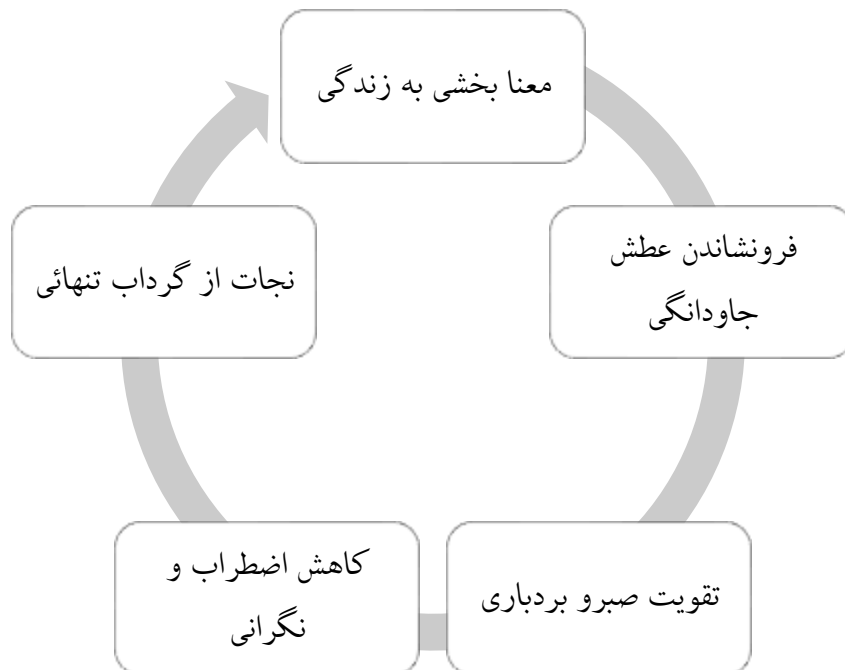
مهم ترین کارکرد دین در زندگی انسان ها.



مهم ترین هدیه دین به انسان ها.



آشنائی با برخی کارکردهای فردی دین.



آشنائی با برخی کارکردهای اجتماعی دین.





برای اندیشیدن ...

آیت الله جوادی آملی می فرمایند:

«علم سکولار نیست، عالم و دانشمند است که سکولار می شود... علم یا بررسی «قول الله» است و یا بررسی «فعل الله» که هر دو مخلوق خداوند هستند. پس هر دو دینی هستند. نگاه به جهان به عنوان خلقت، مسئولیت آور است». (کتاب عقل در هندسه معرفت دینی)

سکولار: کسی که دین را امری شخصی و جدای از شئون اجتماعی زندگی بشر می داند.

برای اندیشیدن ....

اسلامی شدن دانشگاه در پرتو متون اسلامی

برای اسلامی شدن دانشگاه باید متون درسی اسلامی شود؛ یعنی نظام فاعلی و غایی اشیا مورد توجه واقع شود، به جای سخن از طبیعت از خلقت الهی بحث شود. هم‌اکنون طبیعت به جای خدا نشانده شده و به جای آنکه گفته شود سیر موجودات در خلقت الهی از کجا شروع و به چه می‌انجامد، گفته می‌شود طبیعت چنین کرد و چنان اقتضایی دارد. هنگامی که سخن از خلقت باشد توجه به خالق مدبر آنها نیز خواهد شد و به دنبال آن مسئولیت انسان نیز مطرح می‌شود، ولی اگر از طبیعت سخن به میان آید، هیچ مسئولیتی برای انسان ثابت نمی‌شود. (آیت الله جوادی آملی)

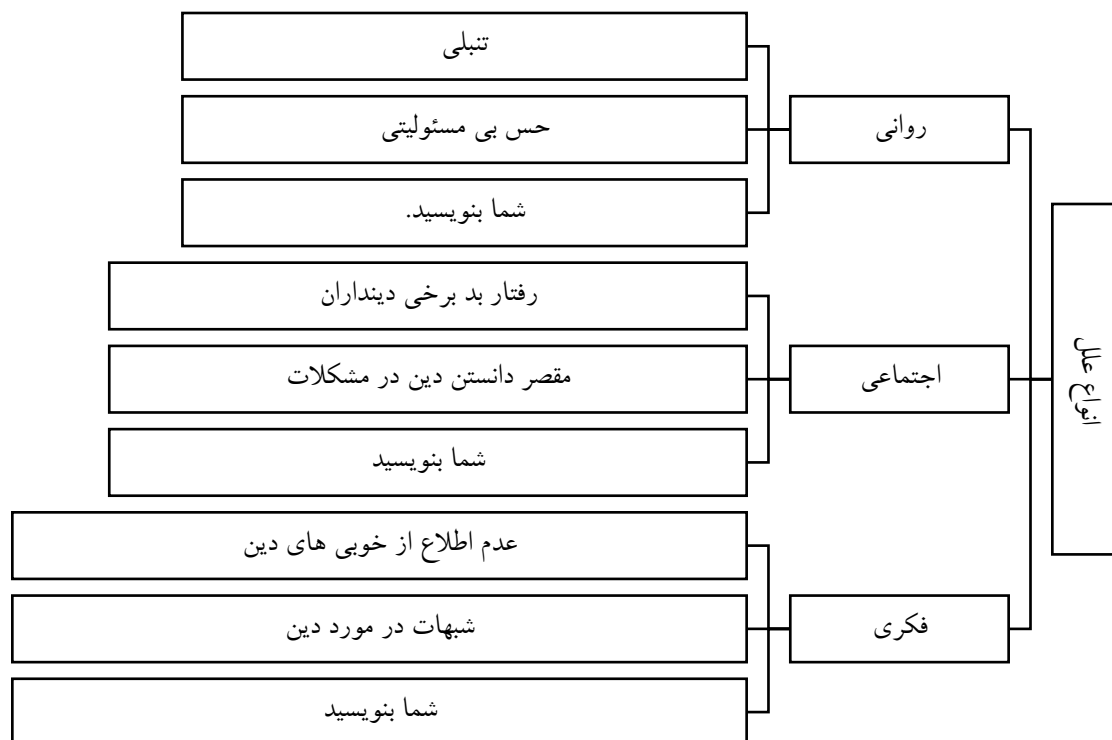
تحقیق:

۱. نقش برخی آموزه های دینی در زندگی بشر را بررسی کنید.
۲. تأثیر اسلام بر شعر و ادب فارسی در دیوان حافظ، مولانا، سعدی و دیگر متون ادبی را بررسی کنید.
۳. کدام روش در کنترل جرم و کاهش آن مؤثرتر است: ایجاد تقوای درونی در انسان ها، یا بیشتر کردن کنترل های فیزیکی (مانند نصب دوربین ها و نظارت های پلیسی و امنیتی).

## درس چهارم : بررسی علل دین گریزی و انحراف از ایمان به خداوند

اهداف فراگیری این درس:

- تأثیر عوامل روانی در انحراف از دین و ایمان گریزی.
- تأثیر عوامل اجتماعی در کنار نهادن دینداری.
- تأثیر عوامل فکری در بی اعتمادی به سخنان دین.
- آشنائی با راه درمان این آسیب ها.
- بررسی راه کارهای جذب جوانان به سمت دین.



راه مبارزه با انحراف و درمان آن

با توجه به تنوع و گونه گونی علل و عوامل انحراف، روشن می شود که مبارزه و برخورد با هر یک از آنها شیوه خاص و محل و شرایط ویژه ای را می طلبد. مثلاً علل روانی و اخلاقی را باید بوسیله تربیت صحیح و توجه دادن

به ضررهایی که بر آنها مترتب می‌شود علاج کرد چنانکه در درس دوم و سوم، ضرورت بی‌جویی دین و ضرر بی‌تفاوتی نسبت به آن را بیان کردیم.

همچنین برای جلوگیری از تأثیر سوء عوامل اجتماعی - علاوه بر جلوگیری عملی از بروز چنین عواملی می‌بایست فرق بین نادرستی دین با نادرستی رفتار دینداران را روشن ساخت. ولی بهر حال، توجه به تأثیر عوامل روانی و اجتماعی، دست کم این فایده را دارد که شخص، کمتر به صورت ناخودآگاه، تحت تأثیر آنها واقع شود. نیز برای جلوگیری از تأثیرات سوء عوامل فکری باید شیوه‌های متناسبی را اتخاذ کرد و از جمله، عقاید خرافی را از عقاید صحیح، تفکیک کرد، و از بکار گرفتن استدلال‌ات ضعیف و غیرمنطقی برای اثبات عقاید دینی، اجتناب ورزید و نیز باید روشن کرد که ضعف دلیل، نشانه نادرستی مدعا نیست و...

نکته مهم: ملاک قضاوت شما در مورد دین چه کسانی هستند؟

در روایات به دو گروه به عنوان شکننده کمر دین و کسانی که سد راه دینداری مردمان می‌شوند اشاره شده است: عالم متهتک (دانشمندی که پرده‌داری می‌کند و گناه انجام می‌دهد) و جاهل متنسک (نادانی که اعمال عبادی را با دقت رعایت می‌کند).<sup>۱</sup>

آلوده بودن یک دانشمند، باعث سبک شدن علم و شخصیت علمی او می‌شود و تأثیر سخنان حقش در بین مردم را کم‌رنگ کرده و یا از بین می‌برد. و نیز نادانی فرد عابد، باعث تنفر دیگران از عبادت می‌شود. و نیز چه بسا افراد نادان عابد، به خاطر زیبایی عبادت در چشم انسان‌ها، بخواهند با عبادت، کیسه‌ای برای خود بدوزند و با پنهان کردن جهل خود در پشت تقدس عبادت، وسیله گمراهی دیگران از رفتن به سوی دانشمندان واقعی شوند. مانند خوارج که تقدسشان حجاب جهلشان شده بود و بدین وسیله اسباب شبهه و گمراهی بسیار از مردم شدند. ملاک قضاوت در مورد دین، نباید دانشمندان یا حاکمانی باشند که از دین سوء استفاده می‌کنند یا جاهلانی باشند که با اعمال غیرمنطقی دین را زشت و خشن جلوه می‌دهند. بلکه ملاک افرادی همچون پیامبران، امامان معصوم (علیهم السلام) و پیروان واقعی آنان هستند که مجسمه علم و تقوا بوده و هستند.

<sup>۱</sup> امام علی علیه السلام: مَا قَصَمَ ظَهْرِي إِلَّا رَجُلَانِ عَالِمٌ مُتَهْتِكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ هَذَا يُنْفِرُ عَنْ حَقِّ بَيْتِكَ وَ هَذَا يَدْعُو إِلَى بَاطِلِهِ بِنَسْكَه (۶/۹۸). وَ رَوَى عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ قَالَ قَطَعَ ظَهْرِي اثْنَانِ عَالِمٌ مُتَهْتِكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ هَذَا يَصُدُّ النَّاسَ عَنْ عِلْمِهِ بَيْتِكَ وَ هَذَا يَصُدُّ النَّاسَ عَنْ نَسْكَه بَجَهْلِهِ.

### برای مطالعه و تفکر

یکی از مهم ترین ابزار دین ستیزی و دین هراسی، استفاده از رسانه های گوناگون برای القاء این تفکر دروغین و پوچ است که:

"همه زشتی ها و بدی هایی که در دنیا دیده می شود به خاطر دین است، و اگر دین نباشد دنیا گلستان می شود".  
برای آنکه به دروغ بودن این تبلیغات پی ببرید، در مورد یکی از این ده مسأله تحقیق کنید:

۱. بررسی رابطه مسائلی چون افسردگی، قتل یا خودکشی نوجوانان و جوانان با دیدن فیلم های خشن و سکس.

۲. نقش توصیه های دینی در جلوگیری از خیانت های خانوادگی.

۳. تأثیر نماز و مناجات در آرامش انسان و دوری او از هنجارهای اجتماعی.

۴. تأثیر تجارت اسلحه، سکس، مواد مخدر، شراب و ... بر تباهی نسل بشر.

۵. نقش الکی بودن پدر و مادر در مشکلات جسمی و روانی نسل آینده.

۶. نقش دستوراتی چون «روزه، صدقه، وقف، زکات و ...» در درک گرسنگان و مستمندان و کمک به آنها.

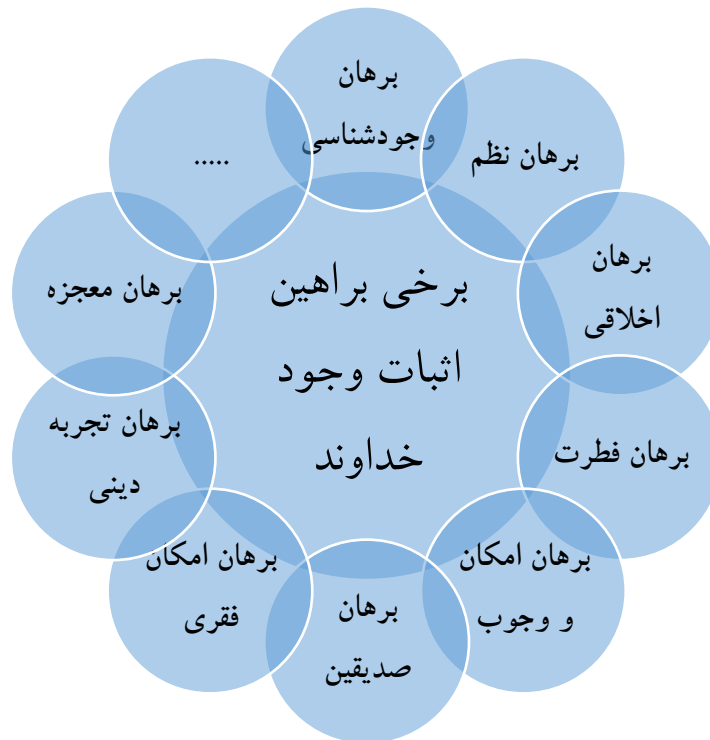
۷. نقش پارتی های مختلط و رواج روابط نامشروع در کاهش ازدواج و افزایش طلاق های عاطفی و رسمی.

۸. آمار فرزندی که به خاطر شهوترانی یا اعتیاد والدین، مورد آزار جسمی یا جنسی یا روحی قرار گرفته اند.

۹. نقش زیارت امام معصوم (علیهم السلام) در آرامش روانی انسان، و رسیدن به کمالات اخلاقی و معنوی.

۱۰. کارکرد ترویج دینداری و اخلاق در دفاع از ناموس، وطن، طبیعت، حیوانات و ...

## درس پنجم: برهان های اثبات خداوند



### برهان اول: برهان نظم

مقدمه اول (حسی و تجربی)

- جهان مجموعه ای منظم است.

مقدمه دوم (عقلی)

- هر مجموعه منظم دارای ناظمی (دانا و توانا) است.

نتیجه:

- این جهان دارای ناظمی دانا و تواناست.

نظم چیست؟

منظور از وجود نظم در عالم، درک یک انسجام و به هم پیوستگی در بین مخلوقات می باشد که باعث جریان دو امر شده است:

۱. چرخه ی زندگی و حیات
۲. پیدایش علم و دانش

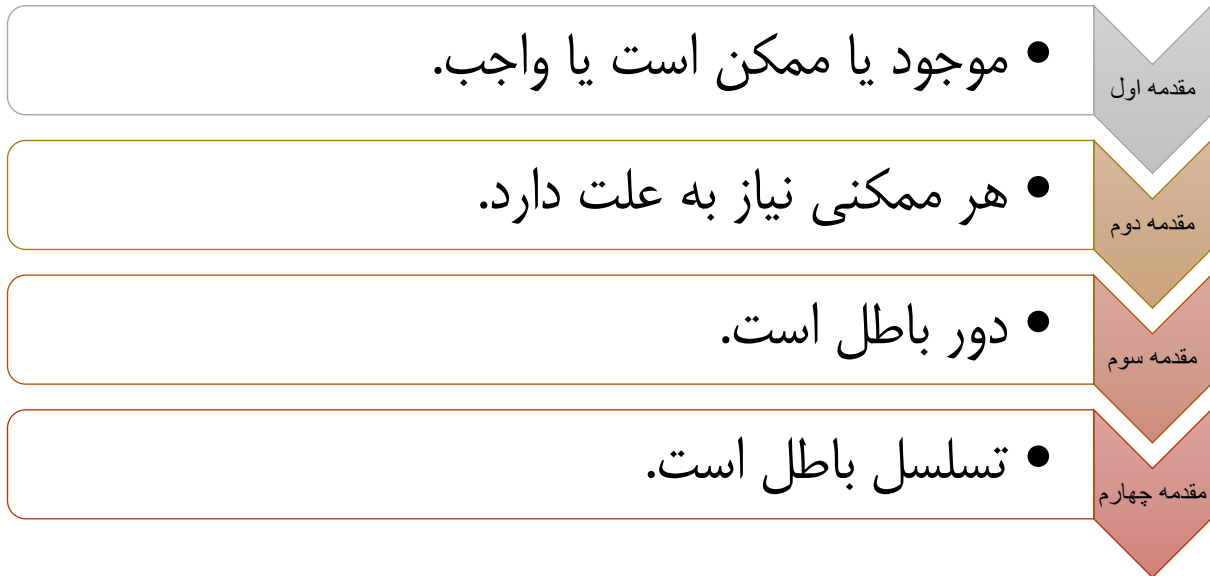
حضور افراد در سر کلاس درس به عنوان دانشجو یا استاد، می تواند بالاترین دلیل بر اعتراف ناخودآگاه هر کس به وجود یک سلسله علت و معلول های مرتبط با هم در جهان آفرینش باشد. وجود قاعده های ریاضی، فرمول های شیمی، جستجو برای یافتن راه کارهای جدید در درمان بیماری ها، ترسیم مدارهای جریان برق و هر کارکرد علمی دیگر، همه دست به دست هم داده اند تا بشر بیش از پیش در برابر نظم جهان تواضع نشان دهد و با با بهره گیری از این نظم و پیشرفت های نوین، زندگی کامل تری را به نمایش بگذارد.

تحقیق مربوط به این درس: به آیاتی از قرآن کریم که اشاره به برهان نظم دارد اشاره کنید.

## درس نهم: برهان امکان و وجوب<sup>۲</sup>

برهان دوم: برهان امکان و وجوب

مقدمات برهان امکان و وجوب



توضیح مقدمه اول : هر موجودی یا واجب است یا ممکن.

موجود در یک تقسیم عقلی بر دو قسم می باشد:

أ. موجودی که وجود برای آن لازم و ضروری است و هیچگاه وجود از آن جدا نمی شود. به این موجود

واجب می گویند.

ب. موجودی که وجود برای آنها واجب نیست و وجود می تواند از او جدا شود. به این موجود ممکن گفته

می شود.

توضیح مقدمه دوم : هر ممکني نیاز به علت دارد.

این یک حکم واضح عقلی است که هیچ ممکني نمی تواند بدون علت باشد.

زیرا اگر وجودش ناشی از علتی نباشد، یا باید از عدم آمده باشد که عدم هستی بخش نیست و یا باید از

خودش باشد که این خلاف فرض ماست. زیرا بحث ما در مورد ممکن است و ممکن چیزی است که وجودش از

خودش نیست و آن را از دیگری گرفته است.

توضیح مقدمه سوم : دور باطل است.

<sup>۲</sup> این درس برای آگاهی بیشتر است و در امتحان لحاظ نمی شود.

دور یعنی اینکه وجود دو موجود مبتنی بر هم باشد. یعنی به طور مثال الف علت ب باشد در عین حال که ب خودش علت الف باشد. لازمه این ترتب، تقدم شیء علی نفسه است که درست نیست. (یعنی یک شیء باید قبل خودش باشد که علت خود شود).

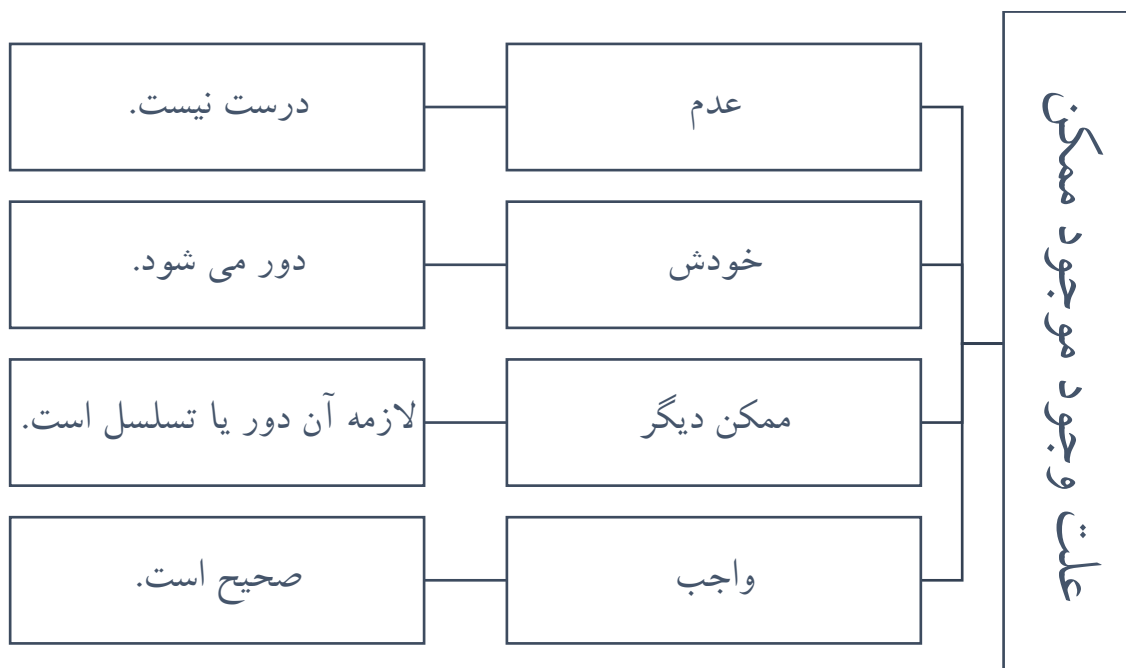
توضیح مقدمه چهارم : تسلسل باطل است.

تسلسل یعنی اینکه علت و معلول هایی به طور نامتناهی پشت سر هم قرار گیرند و به چیزی که فقط علت است و دیگر معلول نیست، نرسند. مثلا:

تسلسل هم باطل است. زیرا وقتی همه ی این مجموع معلول هم باشند، یعنی وجودشان از خودشان نیست و این وجود را از دیگری گرفته اند. پس سوال می شود که چه کسی آنها را از عدم و نیستی به هستی آورده است. وقتی همه ی آنها مانند صفر هستند و هیچ کدام از خودشان وجود را نگرفته اند، پس این وجود از کجا جرقه خورده و شروع شده است؟

اگر در یک صف، تعداد زیادی دونده ایستاده باشند و حرکت دونده آخر متوقف بر دونده قبل و دونده قبل بر قبل تر باشد تا آخر، و ببینیم مسابقه شروع شده است، پس باید کسی استارت این حرکت را زده باشد بدون اینکه او منتظر حرکت فرد قبلی باشد. وگرنه هیچ گاه مسابقه شروع نمی شود.

جمع بندی برهان وجوب و امکان





## درس هفتم: فطرت

معنای فطرت: سرشت و نوع خلقت انسان.

• امام علی علیه السلام

• اللَّهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَيَّ إِرَادَتِكَ وَ فَطَرْتَ الْعُقُولَ عَلَيَّ مَعْرِفَتِكَ.

• خدایا؛ قلب ها را با محبت و ارادت به خود خلق کرده ای و عقل ها را با معرفت خود سرشته ای!

• مهج الدعوات و منهج العبادات ؛ ص ۱۲۰

انسان وقتی متولد می شود، دارای چهار هدیه خدادادی است:

حس کنجکاوی

حس زیبایی دوستی

حس خیرخواهی و نیکی

حس خداپرستی

راه فطرت برای اثبات خدا به این معنی است که هر آدمی به مقتضای خلقت و ساختمان اصلی و روحی خود،

خدا را می شناسد بدون اینکه نیازی به کتاب و تحصیل علوم مقدماتی داشته باشد.

توضیح آنکه گاهی منظور از فطری بودن خداشناسی نیز همین است؛ یعنی: انسان به گونه ای ساخته شده است که

اگر خودش باشد و خودش، بدون توجه به بیرون از وجود خویش، می تواند تنها با قلب خود، به وجود خداوند

پی برد و با دل خویش، او را بیابد و انسان به سبب ساختمان ویژه روحی خود، متمایل و خواهان خدا آفریده

شده است. به دیگر سخن خداجویی و خداخواهی و خداپرستی در انسان به صورت یک غریزه نهاده شده است.

مانند غریزه جستجوی مادر که در طبیعت کودک نهاده شده است.

برهان فطرت

مقدمه اول

• ندهای درونی و امیال درونی انسان دارای مقابل خارجی و واقعی هستند.

مقدمه دوم (عقلی)

• انسان علاوه بر میل به کنجکاوی، زیبایی دوستی و خیرخواهی، دارای میلی به عنوان خداپرستی است.

نتیجه:

• پس میل به خداپرستی نیز دارای مقابل خارجی (خداوند متعال) است.

برهان فطرت در قرآن

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ

الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» روم ۳۰

روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن این فطرتی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش خدا نیست این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی دانند.»

دین فطری انسان هاست، یعنی دستورات دینی (مانند دعوت به صداقت، حیاء و پاکی، کمک به مستمندان، ترحم بر ایتم، سخن درست گفتن و سخن درست شنیدن، احترام به پدر و مادر و ....) سازگار با جسم و جان آدمی است.

دستورات دینی باری گران بر دوش انسان نیست، بلکه نسخه ای برای راهبرد او به سمت کمال و مرهمی بر عطش زیبایی دوستی و کمال جوئی اوست.

خداشناسی فطری، خداپرستی فطری

### خداشناسی فطری

- اگر نوعی شناخت خدا برای هر فردی ثابت باشد که نیازی به آموزش و فراگیری نداشته باشد می‌توان آن را «خداشناسی فطری» نامید.

### خداپرستی فطری

- و اگر نوعی گرایش بسوی خدا و پرستش او در هر انسانی یافت شود می‌توان آن را «خداپرستی فطری» نامید.

### سه ویژگی فطریات

- ۱- فطریّات هر نوعی از موجودات در همه افراد آن نوع، یافت می‌شود هر چند کیفیت آنها از نظر ضعف و شدت، متفاوت باشد.
- ۲- امور فطری، همواره در طول تاریخ، ثابت است و چنان نیست که فطرت موجودی در برهه‌ای از تاریخ، اقتضای خاصی داشته باشد و در برهه دیگر، اقتضائی دیگر.
- ۳- امور فطری از آن حیثیت که فطری و مقتضای آفرینش موجودی است نیازی به تعلیم و تعلم ندارد هر چند تقویت یا جهت دادن به آنها نیازمند به آموزش باشد.

### نکته ای دیگر ....

آیه بیانگر این واقعیت است که نه تنها خداشناسی، بلکه دین و آئین بطور کلی، و در تمام ابعاد، یک امر فطری است، و باید هم چنین باشد، زیرا مطالعات توحیدی به ما می‌گوید میان دستگاه «تکوین» و «تشریح» هماهنگی لازم است، آنچه در شرع وارد شده حتماً ریشه‌ای در فطرت دارد و آنچه در تکوین و نهاد آدمی است مکملی برای قوانین شرع خواهد بود.

به بیان دیگر: «تکوین» و «تشریح» دو بازوی نیرومندانند که به صورت هماهنگ در تمام زمینه‌ها عمل می‌کنند، ممکن نیست در شرع دعوتی باشد که ریشه آن در اعماق فطرت آدمی نباشد، و ممکن نیست چیزی در اعماق وجود انسان باشد و شرع با آن مخالفت کند.

بدون شک شرع برای رهبری فطرت حدود و قیود و شرائطی تعیین می‌کند تا در مسیرهای انحرافی نیفتد، ولی هرگز با اصل خواسته فطری مبارزه نمی‌کند بلکه از طریق مشروع آن را هدایت خواهد کرد، و گرنه در میان تشریح و تکوین تضادی پیدا خواهد شد که با اساس توحید سازگار نیست.

و در آیه دیگر: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ؛ هنگامی که سوار بر کشتی شوند خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند) اما هنگامی که خدا آنها را به خشکی رسانید و نجات داد باز مشرک می‌شوند».

در این آیه نیز قرآن کریم خدانشناسی را فطری انسان ها دانسته و آن را عاملی برای معرفت خداوند معرفی می‌کند و گرچه امکان دارد این عامل بر اثر غفلت ها و تعلقات دنیایی بی فروغ شود ولی در بحرانی‌ترین حالات، در درون جان آنها شکوفا می‌شود و نور توحید در دل آنها تجلی پیدا می‌کند مانند آنکه هنگامی که بر کشتی سوار می‌شوند (با دیدن موج‌های خروشان و دریای بی‌کران) خدا را با اخلاص کامل می‌خوانند و غیر او از نظرشان محو می‌شود، اما هنگامی که خداوند آنها را از طوفان و گرداب‌هایی می‌بخشد و به خشکی می‌رساند باز مشرک می‌شوند!.

خلاصه آنکه همیشه یک نقطه نورانی در درون قلب انسان وجود دارد که خط ارتباطی او با جهان ما و رای طبیعت، و نزدیکترین راه به سوی خدا است که از آن به فطرت تعبیر می‌شود.

#### برهان فطرت در روایات

پیشوایان بزرگ اسلام کسانی را که در مسئله خدانشناسی سخت در تردید فرو می‌رفتند از همین طریق برهان فطرت ارشاد می‌نمودند. مانند داستان مرد سرگردانی که در امر خدانشناسی گرفتار شک و تردید شده بود، و امام صادق علیه السلام از همین راه فطری و درونی او را ارشاد فرمود.

آن مرد گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا به خدا راهنمایی کن او کیست؟ زیرا وسوسه‌گران مرا حیران ساخته‌اند، امام فرمود ای بنده خدا! آیا هرگز سوار بر کشتی شده‌ای؟ عرض کرد آری، فرمود: هرگز کشتی تو شکسته است در آنجا که هیچ کشتی دیگری برای نجات تو نبوده، و قدرت بر شناگری نداشته‌ای؟

عرض کرد: آری،

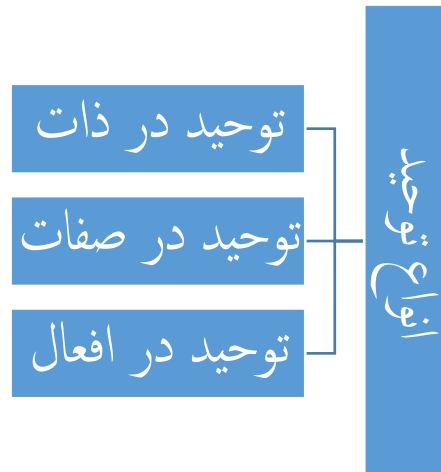
امام فرمود در آن حالت آیا قلب تو به این امر تعلق گرفت که وجودی هست که می‌تواند تو را از آن مهلکه نجات دهد؟

عرض کرد آری.

امام صادق فرمود او خداوندی است که قادر بر نجات است در آنجا که هیچ نجات دهنده و فریادرسی نیست."

## درس هشتم: یکتائی خداوند

انواع توحید



### ۱. معنای توحید در ذات

واحد است: یعنی شریک و مثل و نظیر ندارد. (نفی تعدد)

احد است: یعنی بسیط است و مرکب نیست که دارای اجزاء باشد. (نفی ترکیب)

ادله یکتایی خداوند

### ۱. نظم جهان

اگر عالم دارای خدایان متعدد بود، در آن فساد (= بی نظمی) دیده می شد.

ولی در جهان فساد (= بی نظمی) دیده نمی شود.

پس خداوند یکی است.

(۲۱) الأنبياء : ۲۲

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ  
اگر در زمین و آسمان خدایان متعددی می بود هر آینه آسمان و زمین فاسد می شد

### ۲. دعوت انبیاء به خداوند یکتا

اگر خداوندی دیگر وجود داشت، قطعاً آیات و نشانه های خود را به انسان ها نشان می داد، و رسولانی می فرستاد تا به سمت او هدایت کنند.

ولی همه پیامبران به سمت یک خداوند دعوت کرده اند و همه از یک خداوند خبر داده اند. پس خداوند یکی بیش نیست.

نکته: برخی از ادیان تحریف شده بشری، قائل به تثلیث (سه گانه پرستی) یا ثنویت (دو گانه پرستی) هستند که باور به وحدانیت خداوند، آنها را نفی می کند.

## ۲. معنای توحید در صفات

برخی از متکلمان اهل سنت - مانند اشاعره - صفات الهی را زائد بر ذات خداوند می دانند. یعنی عالم بودن یا قادر بودن خداوند، جدای از ذات اوست هر چند همیشه با او بوده است.<sup>۳</sup>

ولی امامیه، صفات خداوند را «عین ذات» می دانند. پس توحید در صفات یعنی اینکه، صفات خداوند را عین ذات او بدانیم. زیرا لازمه جدا بودن صفات خداوند از ذات، نقص بر ذات الهی و نیاز او به چیزی خارج از ذاتش است. در صورتی که منزله از هر "عیب و نیازی" است.

## ۳. معنای توحید در افعال

توحید در افعال به این معناست که خداوند متعال در انجام هیچ کاری نیازی به دیگران ندارد.

نکته: موحد بودن به اینکه خداوند در انجام کارهایش مستقل است و نیاز به کسی ندارد، به این معنا نیست که ما انسان ها انتظار داشته باشیم که خداوند متعال، نیازهای ما را بدون اسباب خاص برآورده کند.

حکمت الهی بر این قرار گرفته است که خواسته های انسان، در جریان تعاملات او با موجودات دیگر برآورده شود. به عبارت دیگر، آموختن مبتنی بر حضور در درس استاد و درو محصول مبتنی بر کشاورزی و باغداری

است. پیشنهاد قرآن کریم، حرکت در فراز و نشیب زمین و تلاش برای کسب روزی مادی و معنوی است.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (سوره ملک، آیه ۱۵)

او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید، و از روزیهای خداوند بخورید، و بازگشت همه به سوی او است.

خداوند به موحدانی که هر روز در نماز می‌گویند: «ایک نعبد و ایک نستعین». می‌فرماید: «از صبر و نماز کمک بگیرید»<sup>۴</sup> و «برای رسیدن به خداوند، وسیله طلب کنید». پس انسان موحد، باید خود را در مسیر اسباب و مسببات قرار دهد تا هر چه بهتر بتواند از روزی‌های مادی و معنوی استفاده کند.<sup>۵</sup>

کشاورزی، دامداری، تحصیل علم، حضور در آزمایشگاه، استفاده از تجربیات علمی دیگران، یا استفاده از نور خورشید و ستارگان و نیز ارتباط معنوی و دینی با خاندان پیامبر (علیهم السلام) و ترویج فضائل آنها به خاطر تربیت صحیح نسل بشر، نه تنها مخالف توحید افعالی نیست، بلکه قدم برداشتن در راستای اراده الهی است.

مطالعه و تحقیق: آیا "توسل به بزرگان و ائمه معصومین" یا "ساختن قبر برای آنان" با اعتقاد توحیدی تعارض دارد؟

(راهنمایی: توسل در قرآن نیز ذکر شده و مورد تأیید قرار گرفته است. مراسم جشن و عزاداری برای بزرگان دینی، یا ساختن مقبره برای آنان باعث بزرگداشت مقام آنان و زنده نگه داشتن یاد خوبان و خوبی‌هایشان است؛ مانند کاری که در همه ممالک دنیا برای شاعران، دانشمندان بزرگ و سربازان نشان انجام می‌دهند. حتی مجسمه آنها در میدان‌ها نصب می‌کنند و خیابان‌ها را به نامشان مزین می‌کنند تا الگویی برای آیندگان باشند. بزرگداشت گذشتگان و مرور زندگی آنان، مورد توصیه قرآن و امری عقلایی است و تعارضی با توحید ندارد و موجب ترویج توحید با ذکر یاد موحدان و فداکاری آنان است. آیا براسستی در کشورهای وهابی هیچ دانشگاه، خیابان یا مسجدی به نام بزرگان دین نیست؟).

<sup>۴</sup> سوره بقره، آیات ۴۵ و ۱۵۳.

<sup>۵</sup> اگر چه بسا در برخی موارد مانند رزق آسمانی حضرت مریم (سلام الله علیها)، این راه کوتاه‌تر شده باشد.

## درس نهم: صفات الهی

### تقسیم اول

- صفاتی هستند که کمالات خداوند را بیان می کنند، وجودی هستند و فقدان آنها یک نوع نقص محسوب می شود. مانند علم، حیات، قدرت و ...

#### صفات ثبوتی (کمال)

- این صفات بیانگر سلب یک نوع از نقص و کاستی از خداوند هستند. مانند نداشتن جهل، عدم رؤیت، جسم نبودن و ...

#### صفات سلبيه (جلال)

### تقسیم دوم

- صفاتی هستند که از کمالات ذاتی خداوند، بدون نیاز به تصور رابطه او با سایر موجودات انتزاع می شوند. مانند علم، قدرت و حیات.

#### صفات ذاتیه

- صفاتی هستند که با توجه به رابطه بین خداوند و مخلوقات به دست می آید. خالق، غافر، رازق و ....

#### صفات فعلیه

توضیح صفت حیات، علم، قدرت و حکمت

حیات الهی و آثار باور به آن

حیات یعنی «زنده بودن»، تفاوت حیات الهی با حیات موجودات در این است که :



۱. حیات الهی ازلی و ابدی است و «مردن» ندارد.

۲. حیات او به دور از حرکت برای رسیدن به کمالات بالاتر است.

۳. حیات او همراه با نقص هائی چون خواب و جهل و ... نمی باشد. (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ - سوره بقره)

آثار باور به حیات الهی

خداوند حیات بخش به موجودات (گیاهان، حیوانات و انسان هاست) و نیز او امیدبخش در زندگی دیگران است. انسان مؤمن نیز باید جلوه حیات بخشی خداوند باشد و در جسم و جان انسان ها روح هستی و امید را بدمد. قرآن می فرماید: هر کسی یک نفر را بکشد گویا همگان را کشته و کسی که یک نفر را زنده کند، گویا همگان را زنده کرده است.

معنای علم الهی

معنای علم خداوند همان حضور او در همه مکان ها و زمان هاست. وقتی او همه جا حاضر است بنابراین به همه چیز نیز علم دارد.

آثار باور به علم الهی

ترک گناه، انجام خوبی ها و ترک بدی ها، تحمل سختی ها و مشکلات و ...

قدرت خداوند

معنای قدرت خداوند: برای قدرت دو تعریف مشهور وجود دارد:

۱. تعریف متکلمین: انها عبارة عن صحة الفعل و الترك.

مراد از صحت در اینجا امکان است. پس قدرت عبارت است از امکان فعل و ترک کاری.

۲. تعریف فلاسفه: انها عبارة عن صدور الفعل بالمشية و الإختيار.

قدرت عبارت است از صادر شدن کاری از روی خواست و اراده.

توانایی خدا ، بسان علم وی ، ازلی بوده و به حکم اینکه عین ذات اوست مانند علم حق ، نامحدود است . قرآن بر گستردگی قدرت خداوند تأکید کرده و می فرماید :

وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (احزاب/ ۲۷) . و نیز می فرماید :

وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (کهف/ ۴۵) .

امام صادق (علیه السلام) می فرماید :

الأشياء له سواء علماً وقُدرةً وسُلطاناً ومُلْكاً وإِحاطةً (۴) . همه اشیا ، از نظر دانش و قدرت و تسلط و مالکیت و احاطه خداوند بر آنها ، یکسانند .

شبهه

آیا خداوند می تواند جهان را در تخم مرغی جای دهد؛ بدون آنکه جهان کوچک شود و یا تخم مرغ بزرگ شود؟

جواب: قدرت خداوند فراوان است و بر همه چیز تعلق می گیرد. اما برخی کارها محال و ناشدنی است که به دلیل این محال بودن، این امور مورد قدرت خداوند قرار نمی گیرند.

مولای متقیان علی (علیه السلام) آنگاه که از او در باره ایجاد ممتنعات سؤال شد چنین فرمود :

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَنْسَبُ إِلَى الْعَجْزِ وَالذِي سَأَلْتَنِي لَا يَكُونُ .

خداوند متعال پیراسته از عجز و ناتوانی است ، و آنچه که از آن سؤال کردی شدنی نیست.

جواب دیگر:

وقتی گفته می شود که «استاد ریاضی می تواند از یک تا هزار میلیارد بشمارد»، به این معنا نیست که او تاکنون چنین کاری را انجام داده است و یا بعداً انجام می دهد. بلکه این جمله فقط بیانگر آن است که چنین فردی، این توانایی را داراست که چنین اعدادی را بشمارد.

و نیز باید توجه داشت که عدم انجام کاری توسط یک فرد، همیشه به خاطر ناتوانی جسمی او در انجام آن کار نیست. بلکه چه بسا، دلیل های اخلاقی یا عقلی باعث آن شده باشد که فرد کاری را انجام نمی دهد.

هر انسان سالمی، براحتی می تواند صد سنگریزه را رنگ کند و یکی در میان کنار هم بگذارد. اما تا وقتی این کار برای او فایده ای عقلایی نداشته باشد، هیچگاه چنین کاری را نمی کند. یا سقوط از برج بلند، بسیار آسان است، اما افراد عاقل، هیچگاه چنین کاری انجام نمی دهند. بنابراین انجام ندادن کارهای خلاف منطق و اخلاق، ناشی از

«عدم ناتوانی فاعل» نیست و می‌تواند به خاطر منع‌های عقلی و اخلاقی باشد. انسان عاقل بر بسیاری از کارها تواناست، اما عقل اجازه نمی‌دهد که برای اثبات «توانا بودن» خود، به خاطر سخن افراد نادان خود را از برج بیندازد و یا لیوان سم سربکشد. او توانایی‌هایش را با اختراع، نوشتن کتاب، سرودن شعر و درمان بیماران نشان می‌دهد و نه با حماقت و کارهای بی‌فایده.

خداوند متعال بر انجام هر کاری تواناست، اما کار خلاف حکمت یا کاری که ستم باشد از او سرنمی‌زند. خلقت سنگی که او نتواند بلند کند، قرار دادن شریک برای خود و ... ، آزمودن حکیم با کارهای خلاف حکمت است که هیچگاه او انجام نمی‌دهد.

### حکمت الهی

یکی از صفات کمال خداوند ، حکمت است ، چنانکه حکیم از نامهای او است . مقصود از حکیم بودن خداوند این است که :

**اولاً : افعال خداوند از نهایت استحکام و کمال برخوردار است .**  
**ثانیاً : خداوند از انجام کارهای بیهوده و عبث دوری می‌کند.**

گواه معنی نخست ، نظام شگفت‌انگیز جهان آفرینش است که کاخ عظیم خلقت را به نحو احسن برافراشته است ، چنانکه می‌فرماید :

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا (ص/۲۷) آسمان و زمین و آنچه را که در میان آن دو قرار دارد ، به باطل ( بیهوده ) نیافریدم .

گذشته از این ، خداوند کمال مطلق است و فعل او نیز باید از کمال برخوردار بوده و از عبث و بیهودگی پیراسته باشد .

## درس دهم: جبر و اختیار

باور به "جبر" یعنی اینکه انسان در انجام یا ترک کارهایش دارای حق انتخاب یا اختیاری نبوده و زندگی او کاملاً در سلطه تاریخ، خواست کائنات و ستارگان، مسائل ژنتیک و اجتماعی و ... است.

باور به "تفویض" یعنی اینکه خداوند، انسان را به حال خود رها کرده است و ارادی الهی هیچ دخالتی در زندگی بشر و رفتارش ندارد.

باور به جبر، در بسیاری از جوامع بشری - چه ملحد یا مؤمن - به چشم می‌خورد. باوری که ریشه بسیاری از حرکت‌های علمی، اجتماعی و سیاسی را خشکانده و باعث واپسگرایی انسان‌ها شده است.

باور به جبر، از مخرب‌ترین تفکراتی است که سوءاستفاده برخی حکومت‌های ظالم برای جلوگیری از قیام‌های مردمی نیز اثر فراوانی در ترویج آن داشته است.

البته باید دانست که خطر تفویض و خط زدن اراده الهی و حضور خداوند از لحظات زندگی بشر، کمتر از خطر جبرگرایی نیست.

بحث جبر و اختیار، در شاخه‌های علمی مختلفی مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱. مباحث کلامی: در اینجا محور بحث، توحید افعالی، علم الهی و اراده اوست.
۲. مباحث فلسفی: در اینجا محور بحث، مباحث علیت است که یکی از فروع آن عدم تخلف معلول از علت تامه است که به گونه‌ای به مباحث رفتار انسان نیز متوجه می‌شود.
۳. مباحث تاریخی و جامعه‌شناسی: در اینجا، از نقش اراده افراد در تغییر دادن جوامع و یا تأثیرپذیری او از محیط و تاریخ بحث می‌شود.
۴. مباحث روانشناسی و وراثت: در اینجا بحث می‌شود که نقش وراثت و عواملی مانند تربیت اجتماعی و خانوادگی چه اثری بر امیال یا رفتار فرد دارد.

### جبر مادی

منظور از ادله جبر مادی، تمسک به مبانی شکل‌گیری شخصیت افراد است. یعنی مثلث وراثت، فرهنگ و محیط اجتماعی.

قطعاً نمی‌توان تأثیر این امور در شکل‌گیری شخصیت افراد، افکار و افعال آنها را نادیده گرفت. اما توجه به این نکته ضروری است که اثرگذاری این امور به صورت اقتضاء (زمینه‌ساز) است و نه علت تامه.

### جبر و اختیار در بین مسلمانان

در بین مسلمانان در بحث جبر و اختیار، سه رأی مشهور وجود دارد:

نظریه جبر: اشاعره از مهم ترین طرفداران جبر هستند. براساس این نظریه، انسان‌ها در کارهایشان مجبور و هیچ اختیاری ندارند.

نظریه تفویض: این نظریه از سوی معتزله و در واکنش به جبرگرایی افراطی طوایفی از اشاعره انتخاب شد. این گروه بر این باورند که خداوند عالم را به خود واگذاشته است و خداوند نقشی در زندگی انسان ندارد. نظریه «امر بین الامرین»: پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) با استناد و استفاده از سخنان امامان، نه جبر را پذیرفتند و نه تفویض را. بلکه رأی سومی را برگزیدند که به نظریه «امر بین الامرین» معروف است.

### ادله نظریه امر بین الامرین

این نظریه برگرفته از قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم السلام است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: **لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ وَلَا كُنَّ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ قَالَ قُلْتُ وَ مَا أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ.**

ترجمه: نه جبر درست است و نه تفویض؛ بلکه امری است بین این دو.

این فرض توسط ائمه معصومین (علیهم السلام) مطرح شده و علماء شیعه اعم از محدث، مفسر، متکلم و فیلسوف آن را پذیرفته اند.

«امر بین الامرین» عبارت است از به رسمیت شناختن فاعلیت انسان در اعمال خود به صورت علت فعل خویش، اما در چارچوب اصول دیگر مانند تقوم اصل وجود علت به خداوند، [و نیز] قدرت الهی بر جلوگیری فعل انسان».

### امر بین الامرین:

به رسمیت شناختن اختیار انسان در کارهایش، در چارچوب اراده و سنت های الهی

مثالی برای درک بهتر:

مانند اینکه دست فرد فلجی را به دستگاه ویژه برق متصل کنند و بدین وسیله او قادر بر حرکت دستش شود. این حرکت هم وابسته به اراده شخص فلج و هم به وجود برق است.

شواهد اختیار انسان

۱. وجدان و علم حضوری (درونی): هر کسی با مراجعه به وجدان خود، اعتراف می‌کند که در انجام یا ترک کارهایی که بخواهد آزاد است.
۲. تفکر و تصمیم: اگر ما در کارهای خود مجبور بودیم، دلیلی بر فکر کردن و مصلحت اندیشی در انجام آنها نبود.
۳. مسؤولیت پذیری و وعده: وقتی به دیگران قول انجام کاری را می‌دهیم یا مسؤولیتی می‌پذیریم، یعنی آینده من در دست خودم است و من می‌توانم نسبت به انجام کاری تعهد کنم.
۴. تعلیم و تربیت: اگر انسان‌ها در کارهایشان مجبور بودند، نیازی به برنامه‌ریزی برای تعلیم و تربیت آنها نبود.
۵. مباحثات و شرم: افتخار در رسیدن به کمالات و یا شرمساری از کردار بد، وقتی معنا دارد که فرد اختیار داشته باشد.
۶. پشیمانی و ندامت: پشیمانی از کارهای بد نشان‌دهنده باور به این است که من می‌توانستم چنین کاری نکنم.
۷. تشویق و مجازات: تشویق افراد به خاطر خوبی‌هایشان؛ یا سرزنش و مجازات آنها به خاطر بدی‌هایشان وقتی معنا دارد که افراد با اختیار خود آنها کارها را انجام داده باشند.

ادله دیگر (برای مطالعه)

۸. لغو شدن تکلیف و نبوت در صورت جبر
۹. انسان مظهر فاعل مختار
۱۰. عدم صحت استناد قبایح به خداوند
۱۱. دلایل قرآنی و روایی بر اختیار انسان و بطلان جبر

تحقیق و مطالعه

با توجه به آیات قرآن در دعوت به دعا، صمدیت خداوند و ... بحث "امر بین الامرین" را بررسی کنید.

## درس یازدهم: عدل الهی

### معنای عدل

عدل در لغت به معنای برابری و برابر کردن است.

اما در اصطلاح می‌تواند به این دو معنا باشد:

۱. اعطاء کل ذی حق حقه: رساندن صاحب حق به حقش.
۲. وضع کل شیء فی موضعه: قرار دادن هر چیزی در جای خود.

### ۲. حوزه های عدل الهی

الف) عدل تکوینی: خداوند به هر موجودی به اندازه شایستگی‌هایش از مواهب و نعمت‌ها عطا می‌کند و هیچ استعدادی را بی‌یاسخ نمی‌گذارد، علاوه بر آنکه هر مخلوقی را در نهایت کمال و با بهترین مهندسی می‌آفریند.

ب) عدل تشریحی: هیچ مخلوقی را بدون هدایت رها نکرده و بهترین و کامل‌ترین برنامه زندگی را برایش می‌فرستد و او را نیز بیش از توانش تکلیف نمی‌کند.

ج) عدل جزایی: خداوند متعال در مقام پاداش و کیفر بندگان، جزای هر انسانی را متناسب با اعمالش مقرر می‌کند.

### ۳. دلیل عدل الهی

۱. حکیم بودن خداوند: یکی از معانی عدل آن است که فرد عادل هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد. خداوند چون حکیم است، هر کار را در جای خود انجام داده و خلقت او و دستورات او در نهایت اتقان است.
۲. علیم بودن خداوند: وقتی دستوری خلاف عدل است که برخی جهت‌های آن مغفول مانده باشد؛ اما با توجه به علیم بودن خداوند، هیچ دستوری بدون پشتوانه آگاهی بر مصالح و مفسد آن صادر نشده و عین عدالت خواهد بود.

۳. بی‌نیازی خداوند و منزّه بودن او از کینه و کدورت و نقصان‌های روحی.

۴. وجود نظم و اتقان در جهان تکوین و تشریح.

۴. شبهاتی در مورد عدل الهی

۱. آیا وجود مرگ، بیماری دلیل بر بی عدالتی خداوند نیست؟ مرگ و بیماری، باعث آزار فرد و اطرافیان می شود، آیا بهتر نبود که زندگی انسان ها عاری از بیماری و مرگ باشد؟

ورود انسان به دنیا برای ماندن نیست. دنیا برای انسان به منزله یک بازار در جمع آوری توشه، یا به منزله مزرعه ای برای کشتن است. تصور حقیقی از دنیا، این باور را به دنبال خواهد داشت که ماندگاری در دنیا شر است و نه رفتن از آن.

وجود بیماری در دنیا نیز می تواند توجیحات گوناگونی داشته باشد.

گاه بیماری در اثر کوتاهی فرد یا اطرافیان است که بنابر اینکه مرتبط با اختیار عالم دنیاست، بدی اش مرتبط به انسان است و نه خداوند. مثل نوزادانی که در اثر الکی بودن والدین مشکلات جسمی پیدا می کنند.

گاهی نیز بیماری در اثر حوادث غیراختیاری است. مانند جایی که چاقوی تیزی در هنگام خوردن میوه دست فرد را پاره می کند. اقتضای نظم در خلقت آن است که چاقو پوست را پاره کند. چاقویی که پوست را نبرد یا پوستی که از چاقو اثر نپذیرد مشکل دارد نه چاقویی که ببرد یا پوستی که پاره شود. پس شر در اینجا نیز خیری است که من به خاطر ناخرسندی روحی از اتفاق پیش آمده آن را شر محسوب می کنم.

برخی بیماری ها نیز، علامتی برای آگاه شدن فرد بر دردهای عظیم تر است. مانند خیلی از تب ها و سردردها که هشدار در وجود بیماری گوارشی یا قلبی هستند. وجود این درد و بیماری مانند همان بوی گاز طبیعی، بوی تعفن، بوی ماندگی و ترشیدگی غذا و ... است که نه تنها شر نیست، بلکه باعث آگاهی ما از خطر و تدبیر برای سلامتی است.

برخی از دردها و بیماری ها نیز آزمایش الهی برای درک درجات معنوی بالاتر است.

۲. آیا بهتر نبود که خداوند به خاطر وجود شرهای اندک این جهان، از خلقت عالم ماده صرف نظر می کرد؟

جواب: ترک خیر کثیر به خاطر شرهای اندک، نه تنها با فیض الهی تنافی دارد، بلکه خود شر کثیر محسوب می شود.

مثل اینکه کسی با توجه به اینکه جراحی قلبش مستلزم پاره کردن پوست بدن اوست، این شر اندک را با وجود داشتن خیر کثیر کنار بگذارد تا اساسا شری انجام نشده باشد.



رسیدن به خیر کثیر دنیا، مقرون به شرهائی اندک است که فرونهادن خیر کثیر به خاطر شرهائی اندک، موجب شری کثیر است که باید از آن پرهیز کرد.

۳. آیا نمی شد انسان ها از ابتدا وارد بهشت می شدند و دنیایی برای امتحان آنها وجود نمی داشت؟

قبل از پاسخ به این سؤال، مثالی زده می شود.

یک بازی فوتبال می تواند به صورت اجرا شود؛ به هر بازیکن تویی و دروازه مجزایی داده شود تا هر اندازه می خواهد گل بزند. ده تا، بیست تا، صد تا یا هر قدر که بخواهد.

یا اینکه دو تیم یازده نفره باشند که باید در زمینی محدود و با یک توپ به رقابت پردازند و گل بزنند.

گل های کدام بازی ارزش بالاتری دارند؟

قطعا ارزش گلی که در مسابقه با بازیکنان تیم حریف و مبارزه با آنها بدست می آید با ارزش تر از گلی است که فرد به دروازه بدون مدافع وارد می کند.

عالم دنیا نیز به مانند زمین بازی فوتبال است که فرد در برابر امیال شهوانی و دنیا، به مقابله برمی خیزد و با گل زدن به آنها، برای خود درخشش و عزت کسب می کند. فرشتگان نیز به خداوند گفتند: نحن نسبح بحمدک و نقدرس لک. اما خداوند به دنبال موجودی برتر بود که با وجود داشتن امیال نفسانی و شهوات، خداوند را بر دیگران ترجیح دهد. انسان های وارسته، همان مقصود الهی و خلیفه الله هستند که هدف خلقت آنانند و دیگران آمده اند تا آنها بهتر دیده شوند. همه تیم ها وارد بازی می شوند تا پیروز شوند؛ یعنی همه آمده اند تا خلیفه الله باشند. اما اقتضای مسابقه آن است که کسی که بیشتر زحمت بکشد، در قله قرار بگیرد و تنبلان از رده خارج شوند و هر کس به اندازه تلاشش مقامی که لیاقت آن را دارد کسب کند.

۴. چرا خداوند انسان ها را به گونه ای نیافرید که هیچ کس هیچ گناهی نکند؟

جواب: جهان مورد نظر همان جهان فرشتگان و مجردات است که وجود داشته است. فیض الهی وقتی تمام می شد که جهان دنیا که مملو از اختیار و مقابله با شهوات و خواسته های نفسانی است نیز وجود داشته باشد تا موجوداتی برتر از فرشتگان بوجود بیایند.

## بخش دوم: معاد

### درس اول: اهمیت اعتقاد به معاد و آثار باور به آن

#### اهمیت اعتقاد به معاد

انتخاب های انسان در زندگی بر اساس افق هایی که در پیش روی خود مشخص می کند بسیار متفاوت است. شناخت هدف نهائی زندگی برای رسیدن، نقش اساسی را در جهت دادن به فعالیتها و انتخاب و گزینش کارها ایفاء می کند. و در واقع، عامل اصلی در تعیین خطّ مشی زندگی را نوع نگرش و بینش و شناخت انسان، نسبت به حقیقت خود و کمال و سعادتش تشکیل می دهد و کسی که حقیقت خود را تنها مجموعه ای از عناصر مادی و فعل و انفعالات پیچیده آنها می پندارد و حیات خود را منحصر به چند روزه زندگی دنیا می انگارد و لذت و سعادت و کمالی را ورای بهره های مربوط به همین زندگی نمی شناسد، رفتارهای خود را به گونه ای تنظیم می کند که تنها نیازهای دنیوی و خواسته های این جهانش را تأمین کند، اما کسی که حقیقت خود را فراتر از پدیده های مادی می داند و مرگ را پایان زندگی ندانسته، آنرا نقطه انتقال از جهان گذرا به جهان جاودانی می شناسد و رفتارهای شایسته خود را وسیله ای برای رسیدن به سعادت و کمال ابدی می شمارد، برنامه زندگی را به گونه ای طرح و اجراء می کند که هر چه بیشتر و بهتر برای زندگی ابدیش سودمند باشد. و از سوی دیگر، سختیها و ناکامیهای زندگی دنیا، او را دل سرد و ناامید نمی کند و از تلاش در راه انجام وظایف و کسب سعادت و کمال ابدی، باز نمی دارد.

#### آثار اعتقاد به معاد

۱. دلگرمی و آرامش
۲. کنترل غرائز و شهوات
۳. شجاعت و شهامت
۴. زنده شدن قلب

#### توضیح کامل

۱. دلگرمی و آرامش

دنیای بدون قیامت، چنان سرد و بی معنا جلوه می‌کند که ممکن است آرامش خاطر را از بسیاری از انسان‌ها ببرد. ولی باور به قیامت، انسانی که دوست دارد جاودانه باشد را آرام می‌کند و به تلاشش انرژی و امید می‌دهد. وجود قیامت یعنی اینکه خوبی‌های تو از بین نمی‌رود و کسی هست که قدر خوبی‌های تو را می‌داند و آنها را جبران می‌کند. البته این به این معنا نیست که افراد نیکوکار به خاطر رسیدن به پاداش، کارهای خوب انجام می‌دهند. بلکه آنچه نزد بسیاری از آنها، مهم است انجام خوبی است هرچند کسی از آنها تشکر نکند یا مزدی به آنها ندهد. اما اینکه مزدی برای خوبان و جزایی برای بدان وجود دارد، خود باعث تفاوت بین خوب بودن و بد بودن است.

## ۲. کنترل غرایز و شهوات

امیر مؤمنان علی علیه السلام یاد مرگ را اصلاحگر انسان و تربیت کننده روح بشر می خواند و می فرماید: «الا فاذکروا هادم اللذات و منغص الشهوات و قاطع الأمنیات عند المساورة للأعمال القبیحة»  
به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، مرگ را که نابودکننده لذتها و مکدرکننده شهوت و قطع کننده آرزوهاست به یاد آورید.

در زندگی دنیا هم آرزوهای بلند و هم یأسهای عمیق در کمین انسان نشسته اند و هر دو کشنده اند و هر دو تهدیدکننده زندگی اند، و آنچه هر دو را در بند می‌کند، یاد مرگ است. یاد مرگ هم بر «آمال» و هم بر «آلام» که هر دو بی حد جلوه می‌کنند، حد می‌زند و آنها را آن‌چنان که هستند کوچک نشان می‌دهد و تاب و طاقت آدمی را افزایش می‌دهد و او را بر ادامه زندگی قادر می‌سازد.

## ۳. شجاعت و شهامت

«قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (۱۶)  
آری کسی که مرگ را دریچه‌ای می‌داند به جهان ابدی، و می‌داند با مرگ، پرنده روحش از قفس تن آزاد شده و در آسمان بیکران پر می‌گشاید، نه تنها از مرگ و شهادت در راه هدف ترس و وحشتی به خود راه نمی‌دهد، بلکه به استقبال آن رفته، آن را عاشقانه در آغوش می‌کشد:

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی \*\*\* تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ

من از او عمری ستانم جاودان \*\*\* او ز من دلقی ستاند رنگ رنگ

ساحران فرعون نیز به تهدیدهای شدید فرعون به خاطر اظهار ایمانشان به خدای یگانه، وقعی نمی‌نهند و با صراحت به وی می‌گویند:

«هر حکمی می‌خواهی بکن، تو تنها در این زندگی دنیا می‌توانی فرمان دهی، ولی ما به پروردگارمان ایمان آورده‌ایم تا گناهان ما و آنچه را از سحر بر ما تحمیل کردی ببخشاید و خدا بهتر و باقی‌تر است».

«فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيُغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (۱۷)

امام علی علیه السلام

علی علیه السلام در باره داوری مردم ناآگاه از یک سو و بلواساز و آشوب‌طلب از سوی دیگر با تأسف فراوان یاد می‌کند و می‌فرماید: اگر بگویم خلافت حق من است، توده ناآگاه می‌گوید علی برای رسیدن به قدرت و ملک تلاش می‌کند و اگر خاموش شوم، می‌گویند علی تا چه حد از مرگ در هراس است که از حق مسلم خویش دفاع نمی‌کند [مبادا دشمن سوگند خورده‌اش، او را از پای در آورد و به زندگیش خاتمه دهد] سپس فرمود: «هیئات بعد اللتیا و اللتی»

چه دور می‌نماید درک و فهم این حقایق برای این توده ناآگاه، به خدا سوگند! فرزند ابی طالب به مرگ بیش از الفت کودک به پستان مادر، انس دارد. پس سکوت من در مورد خلافت خوف از مرگ نیست، آری خموشی و سکوت من علتش آگهی و آینده بینی است که می‌دانم اگر سخنی گویم و اقدامی کنم، چه بلایی بر سر اسلام خواهد آمد! آن اطلاعات عمیق را در سینه دفن کرده‌ام که اگر روزی از گلویم مانند پاره‌های گداخته کوه آتش فشان بخروشد و پراکنده گردد، همه شماها همانند ریسمانی که در چاه عمیق و طولانی ارسال شود و بر اثر بعد مسافت به خود بلرزد از عمق فاجعه به خود می‌لرزید و مضطرب می‌شوید.

مرگ در نگاه حجر بن عدی

چشمان نافذ و بصیر امیر مؤمنان (علیه السلام) به سوی حجر دوخته شد و او را مخاطب ساخته و فرمود: "چگونه خواهی بود هنگامی که تو را به تبری از من فرا خوانند و چه خواهی گفت در آن حال که از تو بخواهند پیوند دوستی ات را از من بگسلی؟"

حجر پاسخ داد: به خدا سوگند، اگر با شمشیر بدنم را پاره پاره کنند و اگر خرمنی از آتش بیفروزند تا مرا در آن بیندازند، تمام اینها را قبول می‌کنم ولی تبری از تو را، نه! حضرت علی (علیه السلام) شهادت حجر و یارانش را

پیشگوئی کرد و فرمود: اهل کوفه! هفت نفر از بهترین مردان شما در عذراء کشته خواهند شد و وضع آنان مانند اصحاب اخدود خواهد بود.

امام حسین علیه السلام و حضرت زین العابدین - علی بن الحسین - علیهما السلام فرمود: (در روز عاشورا) آنگاه که کار بر امام حسین علیه السلام دشوار گردید، ..... در آن صحنه وحشتناک، امام حسین علیه السلام به ایشان می فرمود: پایداری کنید! ای گرامی زادگان، مرگ چیزی نیست جز پلی که شما را از سختی و آسیب می گذراند، و به بهشت عظیم و نعمتهای جاودان می رساند، کدامیک از شما دوست ندارد، که از زندانی به قصر منتقل گردد. در حالی که آن برای دشمنانتان همانند پلی است که آنها را از کاخ به زندان و شکنجه گاه می رساند.

زیرا پدرم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم بازگو کرد: دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ پل مؤمنان به بهشت ایشان، و پل کافران به آتش سوزان دوزخ می باشد، نه این را بمن دروغ گفته اند و نه من دروغ می گویم.

دعای امام سجاد علیه السلام هنگام یاد مرگ

ای خداوند، ما را از فریب سراب آرزوها به سلامت دار و از شر و فساد آن ایمنی بخش و مرگ را در برابر ما بدار و روزی مباد که از یاد مرگ غافل باشیم.

ای خداوند، در این جهان، آن چنان از عمل صالح برخوردارمان فرمای که وعده دیدار تو را با همه نزدیکی اش دیر شماریم و آتش اشتیاق ما در پیوستن به تو در دل زبانه کشد، آن سان که مرگ سرای انس ما شود که بدان دل بریندیم و آشیانه الفت ما که به سوی آن پر بگشاییم و خویشاوند ما که نزدیک شدن به او را دوست بداریم.

(الصحيفة السجادية / ترجمه آیتی؛؛ ص ۲۴۱).

یهودیان از مرگ فراری اند....

سوره بقره، آیه ۹۴ و ۹۵

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَ لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

۴. زنده شدن قلب

کسی که به فکر روز قیامت باشد، قلبش میل به گناه و زشتی پیدا نمی‌کند. چنین قلبی، چشمه خیرخواهی و مهربانی بر خود و دیگران شده و باعث سعادت صاحبش می‌گردد.

بیشتر بدانیم

نماز و روزه و زکات و .... مواد و غذاهای مورد نیاز زندگی اخروی ما هستند که امروز باید پیش بفرستیم. جنین در دوره جنینی اش نیازی به چشم و گوش و دست و پا ندارد، اما وقتی پا به عالم دنیا گذاشت..... خوشی و ناخوشی در دنیا بستگی به تکامل او در دوره ی جنینی است.

سوره ی طه، آیه ۱۲۵ و ۱۲۶

قال رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا (۱۲۵) قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ (۱۲۶)  
ترجمه: می‌گویند: پروردگارا! چرا مرا نابینا محسور کردی؟ من که بینا بودم! می‌فرماید: این بخاطر آن است که آیات من به تو رسید و آنها را فراموش کردی امروز نیز تو فراموش خواهی شد!

## درس دوم: اثبات نفس و تجرد آن

دلیل اهمیت بحث از نفس قبل از اثبات معاد

در صورت که ما انسان را منحصر در ماده بدانیم، این ماده نه تنها با مرگ بلکه با توجه به مرگ و میر سلول ها در طول عمر انسان دچار فرسودگی و نابودی می شوند و اتحاد لازم برای پاداش یا مجازات باقی نمی ماند. یعنی اگر انسان تنها جسم باشد، با مرگ این جسم از بین می رود و فرد محسور شده مخلوقی جدید خواهد بود.

اثبات روح

از آنجا که در بحث معاد، اثبات روح نقش مهمی دارد، لازم است در ابتدا دلایلی برای اثبات روح اقامه کنیم:

۱. روش عقلی

راه عقلی که همان راه فلسفی برای اثبات وجود و تجرد روح است. می‌دانید که فیلسوفان الهی در این زمینه بحثهای بسیار گسترده‌ای را مطرح کرده‌اند بیش از ده برهان فلسفی برای اثبات روح و تجرد آن اقامه شده است که به عنوان نمونه می‌توان از برهان درک کلیات، امتناع انطباع کبیر در صغیر، رؤیاهای صادقانه، احضار ارواح و خوابهای مغناطیسی نام برد. اینکه آیا این مباحث و براهین قابل مناقشه و بحث هستند یا نه مسأله دیگری است، ولی بعضی از براهین آن بسیار متقن و قابل استنادند. اگر بخواهیم مباحث فلسفی وجود و تجرد روح را عنوان

کنیم، خود به گفتاری مستقل و گسترده نیازمند است لذا از توضیح آن صرف نظر می‌کنیم و علاقمندان را به کتب فلسفی مربوط ارجاع می‌دهیم.

## ۲. روش تجربه‌ی درونی و شهود

راه دیگر برای اثبات وجود روح، تجربه درونی یا شهودی است؛ یعنی اینکه اگر انسان تلاش کند، «خود» را «می‌یابد». فرق است بین اینکه مثلاً ما بدانیم پدیده‌ای به نام ترس، محبت یا عشق در روان انسان وجود دارد با اینکه عشق، محبت، ترس و... را تجربه کنیم و آن را «بیبیم». «دانستن» اینکه اینها وجود دارند، علم حصولی است اما «یافتن» آنها علم حضوری است. ما به وسیله علم حصولی هم اثبات می‌کنیم که پدیده‌های از قبیل عشق و ترس و... وجود دارد اما با این تفاوت که اولاً، اغلب از راه آثار به آنها پی می‌بریم؛ مثلاً از کیفیت رفتار مجنون با لیلی یا خسرو با شیرین می‌توان فهمید که «عشق» وجود دارد ثانیاً، پس از اثبات، تنها صورت آن پدیده در ما وجود دارد، نه واقعیت آن، اما در علم حضوری واقعیت آن پیش ما حاضر است؛ به تعبیر دیگر، وجود عشق را «می‌بیبیم»، نه اینکه فقط از وجود آن آگاه باشیم.

## برهان هوای طلق ابن سینا

یکی از استدلالهای ابوعلی سینا در کتاب «شفا» برای اثبات روح و مجرد آن برهان «هوای طلق» است. حاصل گفته او چنین است: اگر انسان در محیطی باشد که اشیاء خارجی توجه او را جلب نکند و موقعیت بدن وی هم به گونه‌ای نباشد که موجب توجه به بدن شود؛ یعنی گرسنگی، تشنگی، سرما، گرما و درد او را رنج ندهد و هوا نیز کاملاً آرام باشد به گونه‌ای که وزش باد هم توجه او را جلب نکند، در چنین موقعیتی که به هیچ امر خارجی توجه ندارد، نفس خود را می‌یابد در حالی که هیچ یک از اندامهای بدن را نمی‌یابد و این دلیل بر آن است که نفس، غیر از بدن مادی است زیرا اگر یکی بودند با هم درک می‌شدند یا هیچ یک درک نمی‌شدند. درک شدن یکی و درک نشدن دیگری، نشانه تغایر این دو است. فرض این است که نوری نیست که بتابد و چشم آن را ببیند، اصلاً چشم بسته است. گوش هم صدایی را درک نمی‌کند و سایر حواس هم درک ندارند، هوا نیز آنقدر متعادل است که انسان احساس سرما و گرما نمی‌کند، در چنین حالتی که هیچ حسی کار نمی‌کند، آدمی خودش را درک می‌کند و «می‌یابد» که «خودش» هست. درک می‌کند که امیدی دارد، عشقی دارد، ترسی دارد، نگرانی دارد، آرامشی دارد و... اینها را در خود می‌یابد و می‌بیند که هست، پس معلوم می‌شود که «خود انسان» غیر از

چیزی است که حواس آن را درک می‌کند. اگر «خود انسان» همین بدن بود، درک آن فقط با دیدن یا لمس کردن ممکن بود، اما در شرایطی که هیچ حسی کار نمی‌کند، نه چشم می‌بیند، نه گوش می‌شنود و نه ...

### ۳. آثار روح

راه دیگر برای اثبات روح، آثاری است که بر وجود روح مترتب می‌شود. شخصی خوابی را می‌بیند و در خواب کسی مطلبی را می‌گوید که اصلاً در ذهن او نبوده است، وقتی که بیدار می‌شود و تحقیق می‌کند می‌بیند که دقیقاً همین گونه است یا کسانی گمشده‌ای داشته‌اند و مدت‌ها به دنبال آن می‌گشته‌اند ولی موفق به پیدا کردن او نشده‌اند، اما در خواب نشانی آن گمشده را گرفته و آن را پیدا کرده‌اند یا اینکه کسی در خواب به شما چیزی را می‌گوید و بعد از گذشت مثلاً بیست سال آن خواب تحقق پیدا می‌کند. آیا این فعل و انفعالات مربوط به ماده است؟ اصلاً موضوعاتی از این قبیل نمی‌تواند آثار ماده باشد.

داستان های احضار روح و... در این زمینه است.

روایتی بر سرودن شعر علی ای همای رحمت

آیت الله العظمی مرعشی نجفی بارها می فرمودند شبی توسلی پیدا کردم تا یکی از اولیای خدا را در خواب ببینم . آن شب در عالم خواب ، دیدم که در زاویه مسجد کوفه نشسته ام و وجود مبارک مولا امیرالمومنین (علیه السلام) با جمعی حضور دارند .

حضرت فرمودند : شاعران اهل بیت را بیاورید . دیدم چند تن از شاعران عرب را آوردند . فرمودند : شاعران فارسی زبان را نیز بیاورید . آن گاه محتشم و چند تن از شاعران فارسی زبان آمدند . فرمودند : شهریار ما کجاست ؟ شهریار آمد . حضرت خطاب به شهریار فرمودند : شعرت را بخوان ! شهریار این شعر را خواند :

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را

که به ما سوا فکندی همه سایه هما را

دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین

.....

آیت الله العظمی مرعشی نجفی فرمودند : وقتی شعر شهریار تمام شد از خواب بیدار شدم چون من شهریار را ندیده بودم ، فردای آن روز پرسیدم که شهریار شاعر کیست ؟

گفتند : شاعری است که در تبریز زندگی می کند . گفتم از جانب من او را دعوت کنید که به قم نزد من بیاید .



چند روز بعد شهریار آمد . دیدم همان کسی است که من او را در خواب در حضور حضرت امیر (علیه السلام) دیده ام . از او پرسیدم : این شعر «علی ای همای رحمت» را کی ساخته ای ؟ شهریار با حالت تعجب از من سوال کرد که شما از کجا خبر دارید که من این شعر را ساخته ام ؟ چون من نه این شعر را به کسی داده ام و نه درباره آن با کسی صحبت کرده ام .

مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی به شهریار می فرمایند : چند شب قبل من خواب دیدم که در مسجد کوفه هستم و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تشریف دارند . حضرت ، شاعران اهل بیت را احضار فرمودند : ابتدا شاعران عرب آمدند . سپس فرمودند : شاعران فارسی زبان را بگویید بیایند . آنها نیز آمدند . بعد فرمودند شهریار ما کجاست ؟ شهریار را بیاورید ! و شما هم آمدید . آن گاه حضرت فرمودند : شهریار شعرت را بخوان ! و شما شعری که مطلع آن را به یاد دارم خواندید . شهریار فوق العاده منقلب می شود و می گوید : من فلان شب این شعر را ساخته ام و همان طور که قبلا عرض کردم . تا کنون کسی را در جریان سرودن این شعر قرار نداده ام . آیت الله مرعشی نجفی فرمودند : وقتی شهریار تاریخ و ساعت سرودن شعر را گفت ، معلوم شد مقارن ساعتی که شهریار آخرین مصرع شعر خود را تمام کرده ، من آن خواب را دیده ام .

ایشان چندین بار به دنبال نقل این خواب فرمودند : یقینا در سرودن این غزل ، به شهریار الهام شده که توانسته است چنین غزلی به این مضامین عالی بسراید . البته خودش هم از فرزندان فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است و خوشا به حال شهریار که مورد توجه و عنایت جدش قرار گرفته است.

#### ۴. اثبات روح در آیات قرآن

در بسیاری از آیات قرآن، سخن از روح و نفس به میان آمده است.

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فِيمَسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (سوره زمر/آیه ۴۲)

خداوند ارواح را به هنگام " مرگ " قبض می کند، و ارواحی را که نمرده اند نیز به هنگام " خواب " می گیرد، سپس ارواح کسانی را که فرمان مرگ آنها را صادر کرده نگه میدارد، و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) باز می گرداند تا سرآمد معینی، در این امر نشانه های روشنی است برای کسانی که تفکر می کنند.

وَنَفْسٍ وَّ مَا سَوَّاهَا (۷) فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸) (سوره شمس)

و سوگند به نفس آدمی و آن کس که آن را منظم ساخته، ۸- سپس فجور و تقوا (شر و خیر) را به او الهام کرده است.

این آیات نشان می‌دهد که انسان علاوه بر بدن جسمانی، دارای حقیقتی به نام نفس و روح است.

برای مطالعه: چگونگی تعلق نفس به بدن<sup>۶</sup>

آیات قرآن کریم که درباره روح انسان سخن می‌گویند دو گروه است.

گروه اول: بعضی از آیات نشانگر آن است که روح قبلاً بوده و سپس به بدن تعلق گرفته است نظیر آیاتی که در نحوه پیدایش آدم ابوالبشر - سلام الله علیه - آمده است، قرآن می‌فرماید: «انی خالق بشر من طین فاذا سویته و نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجدین؛ من آفریننده بشری از گل هستم، پس وقتی او را آراستم و از روحم در او دمیدم پس سجده کنان برای او به خاک بیفتید» (ص / ۷۱-۷۲)

ظاهر آیه این است که روح قبلاً وجود داشته، و بعد از این که بدن به نصاب خاص خود رسید، روح به بدن تعلق گرفته است - البته در تعلق یک موجود مجرد به یک موجودی مادی و پیدایش یک نوع حقیقی از آن دو سخن فراوان است و به تعبیر مرحوم صدرالمتألهین یکی از دشوارترین مسائل فلسفی این است که چگونه یک مجرد و یک مادی هماهنگ شده و یک نوع حقیقی را به بار می‌آورند. پس بخشی از آیات قرآن نشانه آن است که روح قبلاً وجود داشته و سپس به بدن تعلق پیدا کرده و اضافه و افاضه اشراقی یافته است، و روایاتی که احیاناً در این زمینه آمده است، این بخش از آیات را تأیید می‌کند، مثل: "خلق الله الارواح قبل الاجساد بالفی عام؛ خداوند، جانها را دوهزار سال قبل از تن ها آفرید."

گروه دوم: آیاتی که نشانگر این معناست که روح از همین نشئه طبیعت و بدن پیدا شده و برمی‌خیزد، یعنی همین موجود مادی که ادوار و اطوری را پشت سر گذاشت، به مرحله روح می‌رسد. این طایفه از آیات، جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء بودن روح را تأیید می‌کند. مثلاً در سوره مؤمنون می‌فرماید: ما بشر اولیه را از گل خلق کردیم، نسل او را از آب آفریدیم، آنگاه نطفه را به صورت علقه درآورده، علقه را مضغه ساخته، مضغه را به صورت استخوان درآورده و لباسی از گوشت به پیکر این استخوان پوشانده و او را به آفرینش دیگر پدید آوردیم.

<sup>۶</sup> زن در آیینہ جمال و جلال الهی، آیت الله جوادی آملی، ص ۸۰.

«فكسونا العظام لحما ثم أُنشأناه خلقا آخر فتبارك الله أحسن الخالقين؛ بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.» (مؤمنون / ۱۴)

یعنی همان موجود را ما به چیز دیگری تبدیل کردیم. از این که فرمود «ثم أُنشأناه خلقا آخر» معلوم می شود خلق آخر از سنخ گذشته ها و از سنخ تحولات مادی و تطورات ماده نیست، و گرنه نمی فرمود "خلق دیگر" به بیان دیگر اگر یک امر مادی و قابل تشریح و تبیین و در دسترس علوم تجربی قرار می گرفت، دیگر نمی فرمود: «ثم أُنشأناه خلقا آخر».

## درس سوم: اثبات معاد

برخی از برهان های گفته شده در مورد اثبات معاد:

- برهان عدالت
- برهان حکمت
- برهان صدق
- برهان فطرت
- برهان تجرد روح
- برهان توحید
- ....

### ۱. برهان عدالت

• دنیای بدون قیامت بر خلاف عدالت خداوند است.	} مقدمه اول:	
• خداوند عادل است.		} مقدمه دوم:
• بنابراین، از پس این دنیا قیامتی هست.		} نتیجه

### توضیح

در این جهان، انسانها در انتخاب و انجام کارهای خوب و بد، آزادند: از یک سو، کسانی یافت می‌شوند که تمام عمر خود را صرف عبادت خدا و خدمت به بندگان او می‌کنند. و از سوی دیگر، تبه‌کارانی دیده می‌شوند که برای رسیدن به هوسهای شیطانی خودشان، بدترین ستمها و زشت‌ترین گناهان را مرتکب می‌گردند.

اما می بینیم که در این جهان، نیکوکاران و تبهکاران، به پاداش و کیفری که در خور اعمالشان باشد نمی رسند و چه بسا تبهکارانی که از نعمتهای بیشتری برخوردار بوده و هستند. و اساساً زندگی دنیا ظرفیت پاداش و کیفر بسیاری از کارها را ندارد. مثلاً کسی که هزاران شخص بی گناه را به قتل رسانیده است نمی توان او را جز یکبار، قصاص کرد و قطعاً سایر جنایاتش بی کیفر می ماند در صورتی که مقتضای عدل الهی این است که هر کس کوچکترین کار خوب یا بدی انجام دهد به نتیجه آن برسد.

پس همچنان که این جهان، سرای آزمایش و تکلیف است باید جهان دیگری باشد که سرای پاداش و کیفر و ظهور نتایج اعمال باشد و هر فردی به آنچه شایسته آن است نایل گردد تا عدالت الهی، تحقق عینی یابد!

أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ سَنَّ سُنَّةَ هُدًى كَانَ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرٍ مَنْ عَمِلَ بِذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ وَ  
أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ سَنَّ سُنَّةَ ضَلَالٍ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ.

امام باقر (ع) فرمود: هر کس از بندگان خدا سنت شایسته ای از خود بر جای بگذارد، برابر پاداش همه کسانی که به آن عمل کرده اند پاداش خواهد داشت، بی آنکه چیزی از پاداش آنان کاسته شود، و هر کس از بندگان خدا سنت ناروایی از خود بر جای نهد، برابر کیفر تمام کسانی را که بدان عمل نموده اند کیفر خواهد داشت، بی آنکه چیزی از کیفر آنان کم گردد.

( منبع: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ؛ النص ؛ ص ۱۳۲ )

کاشتن درخت خوبی یا بدی زندگی انسان را تغییر می دهد ....

او به دیگران آموزش می داد، آموزش های او عبارت بودند از....

او به دوستش راه را نشان داد، راه....

فرزندش تصمیم داشت که .....

تصمیم گرفت کتابی بنویسد تا مبارزه کند با ....

خیلی فکر کردم تا توانستم او را به .....

با چه کاری ادامه جملات بالا را پر می کنید؟؟؟

سزای افراد زیر چیست؟ اگر شما قاضی بودید، بین این افراد و کسانی که با مهربانی به دیگران زندگی کرده اند

چه تفاوتی قائل می شدید؟؟

خورنده ی مال یتیم؛ قاتلان به ناحق؛ جنایتکاران و کشورگشایان؛ دزدان؛ اهل فساد و فحشاء؛ اهل غیبت؛ آبروبرنده ی دیگران؛ مجریان ماهواره و شبکه های ضد دینی

.....

### جنايات صدام

در این هنگام سیرد جعفر حکیم که از فضلا و علمای جوان نجف اشرف است و پدرش در برابر دیدگانش که در آن زمان تنها ۱۵ سال داشت به شهادت رسید، در دادگاه به عنوان شاهد حضور پیدا کرد و گفت: «هنگامی که بعضی ها من و پدرم را بازداشت کردند پدر به بعضی ها می گفت گناه این نوجوان چیست که او را بازداشت می کنید؟» در همین دوره از فرزندان و خاندان حکیم ۶۸ نفر به جوخه های اعدام سپرده شدند. سید جعفر حکیم به دادگاه می گوید، بعضی ها در مدت بازداشت من و پدر را شکنجه می کردند. داستان غم انگیز زمانی بود که هر یک را در برابر دیگری شکنجه می کردند. قاضی از حکیم پرسید، خواسته شما برای مجازات این متهمان در دادگاه چیست؟ حکیم بر خلاف باور عراقی ها که دادگاه را از صفحه تلویزیون تماشا می کردند همه را غافلگیر کرد. او گفت: «من به تاسی از جدم رسول الله و ائمه اطهار در هنگام فتح مکه که رو به دشمنان شکست خورده کرد و گفت، انتم طلقاء فی وجه الله (شما در راه خدا آزاد هستید و بروید).»

### کشتار محمودیه در عراق توسط آمریکایی ها

کشتار محمودیه به قتل عام یک خانواده عراقی و تجاوز دست جمعی به دختر ۱۴ ساله آن خانواده توسط نیروهای ارتش آمریکا در تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۰۶ در در خانه ای در روستای یوسفیه در غرب شهر محمودیه که در جنوب شهر بغداد واقع است، اطلاق می شود. در این واقعه دختر چهارده ساله ای به نام عبیر الجنابی توسط ۵ نیروی ارتش آمریکا مورد تجاوز جنسی قرار گرفت و سپس به قتل رسید. همچنین مادر ۳۴ ساله، پدر ۴۵ ساله و خواهر ۶ ساله وی نیز قبل از انجام تجاوز به عبیر توسط نظامیان آمریکایی به قتل رسیدند.

۲. برهان حکمت

• دنیای بدون قیامت بر خلاف حکمت و کاری غیر حکیمانه است.	} مقدمه اول:
• از خداوند حکیم کار غیر حکیمانه سر نمی زند.	
• بنابراین، بعد از این دنیا قیامتی هست.	} نتیجه

توضیح مقدمه اول: راستی، اگر زندگی انسان جز این نمی بود که پیوسته زحمت بکشد و با مشکلات طبیعی و اجتماعی، دست و پنجه نرم کند تا لحظاتی را با شادی و لذت بگذراند و آنگاه از فرط خستگی به خواب رود تا هنگامی که بدنش آمادگی فعالیت جدید را پیدا کند و مجدداً «روز از نو روزی از نو» همی تلاش کند تا مثلاً لقمه نانی بدست آورد و لحظه ای از خوردن آن، لذت ببرد و دیگر هیچ! چنین تسلسل زیان بار و ملال آوری را عقل نمی پسندید و به گزینش آن، فتوی نمی داد. مثل چنین حیاتی در بهترین شکل آن این است که راننده ای تلاش کند اتومبیل خود را به پمپ بنزین برساند و ظرف بنزینش را پر کند آنگاه با مصرف کردن بنزین موجود، اتومبیل خود را به پمپ بنزین دیگری برساند و این سیر را همچنان ادامه دهد تا هنگامی که اتومبیلش فرسوده شود و از کار بیفتد یا در اثر برخورد با مانع دیگری متلاشی شود!

۳. برهان صدق

• خداوند صادق، از وجود بهشت و دوزخی خبر داده است.	} مقدمه اول:
• خداوند دروغ نمی گوید.	
• پس بهشت و دوزخی هست.	} نتیجه:

سوره ی نساء، آیه ۱۲۲ (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا)

و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به زودی آنان را در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، درآوریم، در آن جاودانه‌اند. وعده خدا حق است، و راستگوتر از خدا در وعده کیست؟ مباحثه شیطان با پیروانش در قیامت

آیه سوره ابراهیم علیه السلام، آیه ۲۲

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي....

و شیطان هنگامی که کار تمام می‌شود می‌گوید خداوند به شما وعده حق داد و من هم به شما وعده (باطل) دادم و تخلف کردم، من بر شما تسلطی نداشتم جز اینکه دعوتتان کردم و شما پذیرفتید، بنا بر این مرا سرزنش نکنید، خود را سرزنش کنید، نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من....

#### ۴. برهان فطرت

• انسان میل به جاودانگی دارد و از نیستی گریزان است.	} مقدمه اول:
• این میل نمی تواند بدون حقیقت خارجی باشد، وگرنه وجود آن در انسان بیهوده بود.	
• انسان دارای یک زندگی جاودانه و ابدی خواهد بود.	} نتیجه

وقتی مرگ به سراغ انسانی می آید، او خواهان تأخیر مرگ تا به فرداست و فردا نیز فردای دیگری را خواهان است. پس او خواهان ابدیت است.

پرسش: آیا انسان ها از زندگی در بهشت خسته نمی شوند؟ چرا؟



جواب را در این سؤال پیدا کنید:

انسانی را تصور کنید که بعد از تحمل سختی ها، اکنون بهترین همسر، خانه و وسیله نقلیه، بهترین تفریحات و خوردنی ها و .... را به دست آورده است، حال به او بگویید لحظه مرگ تو و ترک این لذت ها فرا رسیده است، واکنش طبیعی او چیست؟

جواب اجمالی: چه بسا ما انسان ها حاضریم در لذت باشیم حتی به بهای سختی هایی که در این لذت ها وجود داشته باشد. پس قطعاً کسی از لذت های بهشتی که بدون سختی است، خسته نخواهد شد.

### درس چهارم: بررسی برفی شبهات و پرسش های معاد

در این درس به این ۴ شبهه جواب داده می شود:

اعاده معدوم

قدرت فاعل

علم فاعل

آکل و مأكول

۱- شبهه اعاده معدوم

قبلاً اشاره کردیم که قرآن کریم در برابر کسانی که می گفتند: «چگونه ممکن است انسان، بعد از متلاشی شدن بدنش مجدداً زنده شود؟» پاسخی می دهد که مفادش این است: قوام هویت شما به روحتان است نه به اندامهای بدنتان که در زمین، پراکنده می شود.

از این گفتگو می توان استنباط کرد که منشأ انکار کافران، همان شبهه ای بوده که در فلسفه به نام «محال بودن اعاده معدوم» نامیده می شود. یعنی آنان می پنداشتند که انسان، همین بدن مادی است که با مرگ، متلاشی و نابود می گردد و اگر مجدداً زنده شود انسان دیگری خواهد بود زیرا برگرداندن موجودی که معدوم شده محال است و امکان ذاتی ندارد.

پاسخ این شبهه از بیان قرآن کریم روشن می شود و آن این است که هویت شخصی هر انسانی، بستگی به روح او دارد، و به دیگر سخن: معاد، اعاده «معدوم» نیست بلکه بازگشت «روح موجود» است.

## ۲- شبهه عدم قابلیت بدن برای حیات مجدد

شبهه قبلی، مربوط به امکان ذاتی معاد بود، و این شبهه، ناظر به امکان وقوعی آن است. یعنی هر چند بازگشت روح به بدن، محال عقلی نیست و در فرض آن، تناقضی وجود ندارد ولی وقوع آن، مشروط به قابلیت بدن است و ما می‌بینیم که پدید آمدن حیات، منوط به اسباب و شرایط خاصی است که می‌بایست تدریجاً فراهم شود مثلاً نطفه‌ای در رحم، قرار گیرد و شرایط مناسبی برای رشد آن، وجود داشته باشد تا کم‌کم جنین کامل شود و به صورت انسان در آید، ولی بدنی که متلاشی شد دیگر قابلیت و استعداد حیات را ندارد.

پاسخ این شبهه آن است که این نظام مشهود در عالم دنیا، تنها نظام ممکن نیست و اسباب و عللی که در این جهان، براساس تجربه، شناخته می‌شوند اسباب و علل انحصاری نیستند، و شاهدش این است که در همین جهان، پدیده‌های حیاتی خارق العاده‌ای مانند زنده شدن بعضی از حیوانات و انسانها رخ داده است. این پاسخ را می‌توان از ذکر چنین پدیده‌های خارق العاده‌ای در قرآن کریم بدست آورد.

## ۳- شبهه درباره قدرت فاعل

شبهه دیگر این است که برای تحقق یک پدیده، علاوه بر امکان ذاتی و قابلیت قابل، قدرت فاعل هم شرط است و از کجا که قدرت بر زنده کردن مردگان داشته باشد؟!

این شبهه واهی، از طرف کسانی مطرح شده که قدرت نامتناهی الهی را نشناخته بودند، و پاسخ آن این است که قدرت الهی، حدّ و مرزی ندارد و به هر چیز ممکن الوقوعی تعلّق می‌گیرد، چنانکه این جهان کران ناپیدا را با آن همه عظمت خیره‌کننده، آفریده است.

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (سوره احقاف، آیه ۳۳، و نیز رجوع کنید به: یس / ۸۱، اسراء / ۹۹، الصافات / ۱۱، النازعات / ۲۷).

مگر ندیدند (و ندانستند) خدایی که آسمانها و زمین را آفریده و در آفرینش آنها در نمانده است، می‌تواند مردگان را زنده کند؟ چرا، او بر هر چیزی تواناست.

افزودن بر این، آفرینش مجدد، سخت‌تر از آفرینش نخستین نیست و نیاز به قدرت بیشتری ندارد بلکه می‌توان گفت از آن هم آسانتر است زیرا چیزی بیش از بازگشت روح موجود نیست. «فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَ...».

خواهند گفت: چه کسی ما را باز می‌گرداند (و مجدداً زنده می‌کند)؟ بگو: همان کسی که شما را نخستین بار آفرید.

پس سرهایشان را نزد تو تکان خواهند داد (و از این پاسخ، تعجب خواهند کرد).

«وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ».

و اوست کسی که آفرینش را آغاز می‌کند و سپس آن را برمی‌گرداند و آن (باز گرداندن) آسانتر است.

#### ۴- شبهه درباره علم فاعل

شبهه دیگر این است که اگر خدا انسانها را زنده کند و به پاداش و کیفر اعمالشان برساند باید از سویی بدنهای بی

شمار را از یکدیگر تشخیص بدهد تا هر روحی را به بدن خودش بازگرداند. و از سوی دیگر، همه کارهای خوب

و بد را به یاد داشته باشد تا پاداش و کیفر درخوری به هر یک از آنها بدهد. و چگونه ممکن است انسانی که

خاک شده و ذرات آنها در هم آمیخته شده را از یکدیگر باز شناخت؟ و چگونه می‌توان همه رفتارهای انسانها را

در طول هزاران بلکه میلیونها سال، ثبت و ضبط کرد و به آنها رسیدگی نمود؟

این شبهه هم از طرف کسانی مطرح شده که علم نامتناهی الهی را نشناخته بودند و آن را به علوم ناقص و محدود

خودشان قیاس می‌کردند. و پاسخ آن این است که علم الهی حدّ و مرزی ندارد و بر همه چیز، احاطه دارد و

هیچ‌گاه خدای متعال چیزی را فراموش نمی‌کند.

قرآن کریم از قول فرعون، نقل می‌کند که به حضرت موسی (ع) گفت:

«فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى» (سوره روم، آیه ۳۷).

اگر خدا همه ما را زنده، و به اعمالمان رسیدگی می‌کند پس وضع آن همه انسانهای پیشین که مرده و نابود شده‌اند

چه می‌شود؟

حضرت موسی (ع) فرمود:

«عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسِي» (سوره طه، آیه ۵۱-۵۲، و نیز رجوع کنید به: سوره ق، آیه

۲-۴).

علم همه آنها نزد پروردگرم در کتابی محفوظ است و پروردگار من گمراه نمی‌شود و چیزی را فراموش نمی‌کند.

و در آیه‌ای جواب دو شبهه اخیر به این صورت، بیان شده است:

«قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ» (سوره یس، آیه ۷۹).

بگو (ای پیامبر) مردگان را همان کسی زنده می‌کند که نخستین بار، ایشان را پدید آورده، و او به هر آفریده‌ای داناست.

### آسان یا سخت گرفتن جان

از قرآن مجید، استفاده می‌شود که گماشتگان الهی، جان همه مردم را یکسان نمی‌گیرند بلکه بعضی را به راحتی و احترام، و بعضی دیگر را با خشونت و اهانت، قبض می‌کنند. از جمله در مورد مؤمنان می‌فرماید:

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (نحل / ۳۲)

کسانی که فرشتگان جانشان را با خوشی می‌گیرند و به ایشان سلام (و احترام) می‌کنند.

و درباره کافران می‌فرماید:

«وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَتَوَفَّيَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ...» (انفال / ۵۰)

هنگامی که فرشتگان، روح کافران را می‌گیرند به روی و پشت آنها می‌زنند...

و شاید بتوان گفت که میان افراد مؤمن و افراد کافر هم به حسب درجات ایمان و کفرشان تفاوت‌هایی در آسان یا سخت جان‌کندن، وجود دارد.

### برخی اسماء و اوصاف قیامت

روز جدائی

روز آشکار شدن اسرار

روز حسرت و اندوه

روز زیان

.....

## درس پنجم: بهشت و بهشتیان - جهنم و جهنمیان

وصف بهشت در قرآن

(تمام عبارات زیر، ترجمه آیات مختلف قرآن هستند)

در بهشت، باغهای وسیع به پهنای آسمانها و زمین و پوشیده از انواع درختها با همه گونه میوه رسیده و در دسترس و ساختمانهای باشکوه و نهرهای آب زلال و شیر و عسل و شراب طهور، و از هر چیزی که مورد میل و رغبت بهشتیان باشد و فوق خواسته های آنان وجود دارد.

بهشتیان با لباسهای حریر و پرنیان و انواع زینتها آراسته و رو در روی یکدیگر بر تختهای مرصع و بسترهای نرم، تکیه می دهند و به حمد و سپاس الهی می پردازند و سخن بیهوده ای بر زبان نمی آورند و نمی شنوند. نه سرما ایشان را می آزارد و نه گرما، نه رنج و خستگی و ملالی دارند و نه ترس و اندوهی، و نه در دل، کینه و کدورتی.

پیش خدمتان زیبا در اطرافشان حرکت می کنند و جامهای شراب بهشتی به آنان می نوشاند که لذت و نشاط زاید الوصفی می بخشد و هیچ گونه آفتی ندارد. و از انواع میوه ها و گوشت مرغان، تناول می کنند و از مصاحبت همسران زیبا و مهربان و نالوده بهره می برند. و از همه بالاتر، از نعمت روحی رضوان الهی برخوردار می شوند. و لطفهایی را از پروردگارش دریافت می دارند که ایشان را غرق سرور می سازد و هیچ کس نمی تواند تصویری از مرتبه آن سرور، داشته باشد. و این سعادت بی مانند و نعمتهای وصف ناشدنی و رحمت و رضوان و قرب الهی برای همیشه ادامه خواهد یافت و پایانی نخواهد داشت.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (۳۰) أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (۳۱)

آنها کسانی هستند که بهشت جاودان از ایشان است، باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختان و قصرهایش جاری است، در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته اند، و لباسهای (فاخری) به رنگ سبز از حریر نازک و ضخیم در بر می کنند، در حالی که بر تختها تکیه کرده اند، چه پاداش خوبی و چه جمع نیکویی؟!

بهشت در نهج البلاغه

..... و هر چیزی از نعمت های دنیا شنیدنش بزرگتر مهم تر و با عظمت تر از دیدن آن، و هر چیزی از آخرت، دیدن آن بزرگتر از شنیدنش است نعمت های دنیا وصفشان بهتر از دیدنشان، ولی نعمت های آخرت دیدنشان بهتر از

وصفشان است پس هم اکنون که در دنیا زندگی می‌کنید و شما را یارای دیدن نعمت‌های آخرت نیست به شنیدن نعمت‌های آخرت به جای دیدن نعمت‌های آن، و نیز به خبرهای غیبی از جهان رستاخیز به جای دیدن آنچه که اکنون از دیدگان شما پنهان است بسنده کنید، و بدانید آنچه از دنیا کاهش یافته و بر آخرت افزوده گردد، بهتر است از آنچه که از آخرت کاهش یافته و بر دنیا افزوده گردد...»

...نعمت‌های آن زوال ناپذیر است، کسی که در بهشت جاوید جای بگیرد، پیر و شکسته نمی‌شود و کسی که در آن سکونت گزیند، نیازمند ناامید نخواهد شد...»

وصف جهنم در قرآن

(تمام عبارات زیر، ترجمه آیات مختلف قرآن هستند)

دوزخ، جایگاه کافران و منافقاتی است که هیچ نور ایمانی در دل‌هایشان وجود ندارد، و گنجایش آن، چنان است که پس از در برگرفتن همه تبهکاران، باز هم «هل من مزید» می‌گویند! سراسر آتش است و آتش، عذاب است و عذاب!!

شعله‌های آتش از هر سو زبانه می‌کشد و صدای گوش خراش و خشم آلود آنها بر وحشت و اضطراب می‌افزاید، قیافه‌ها عبوس و درهم کشیده و سیاه و زشت و چروکیده است و حتی در چهره فرشتگان دوزخیان هم اثری از مهر و عطوفت و نرمی دیده نمی‌شود.

دوزخیان با غل و زنجیر و بندهای آهنین، بسته شده اند و آتش، سرپای آنان را فراگرفته، و خودشان آتش گیره آتند. در فضای دوزخ جز آه و ناله و ضجه و فریاد دوزخیان و نهیب دوزخیان، صدایی به گوش نمی‌رسد. بر سر و روی تبهکاران، آب جوشان می‌ریزند که اندرون آنان را نیز ذوب می‌کند، و هر گاه از فرط عطش و التهاب، درخواست آب کنند، آب داغ و آلوده و گندیده‌ای به آنان داده می‌شود که آن را با حرص و ولع می‌نوشند، و غذایشان از درخت «زقوم» است که از آتش می‌روید و خوردن آن بر سوزش اندرونشان می‌افزاید، و لباسشان از ماده سیاه و چسبنده‌ای است که خود، موجب عذابشان می‌گردد و همنشینان شیاطین و جنیان گنهکارند که آرزوی دوری از آنان را می‌کنند، و نسبت به یکدیگر نیز لعن و نفرین می‌فرستند.

همین که بخواهند زبان عذرخواهی به درگاه الهی گشایند فرمان دورباش و ساکت باش، خاموششان می‌کند پس به دوزخیان پناه می‌برند که شما از خدا بخواهید که اندکی از عذاب ما بکاهد، پاسخ می‌شنوند: مگر خدای متعال، پیامبرانش را مبعوث نفرمود و حجت را بر شما تمام نکرد؟

بار دیگر، درخواست مرگ می‌کنند و جواب می‌شنوند که شما برای همیشه در دوزخ خواهید ماند. و با اینکه مرگ از هر سوی برایشان می‌بارد نمی‌میرند و هر چه پوست بدنشان بسوزد بار دیگر پوست نو می‌روید و عذابشان ادامه می‌یابد.

از بهشتیان درخواست اندکی آب و خوراک می‌کنند و پاسخ می‌شنوند که خدای متعال نعمتهای بهشتی را بر شما حرام کرده است. و بهشتیان از آنان می‌پرسند: چه چیز موجب بدبختی شما شد و به دوزختان کشاند؟ می‌گویند: ما اهل نماز و عبادت خدا نبودیم و به مستمندان کمک نمی‌کردیم و با تبهکاران همسو می‌شدیم و روز قیامت را تکذیب می‌کردیم.

آنگاه به ستیز با یکدیگر می‌پردازند، گمراه شدگان به گمراه کنندگان می‌گویند: این شما بودید که ما را گمراه کردید، آنان پاسخ می‌دهند: شما به دلخواه از ما پیروی کردید.

زیردستان به زیردستان می‌گویند: این شما بودید که ما را به این بدبختی کشانید، آنان پاسخ می‌دهند: مگر ما به زور، شما را از راه راست بازداشتیم؟

سرانجام، به شیطان می‌گویند: این تو بودی که موجب گمراهی ما شدی، و او پاسخ می‌دهد: خدا به شما وعده راستین داد و نپذیرفتید، و من وعده دروغ دادم پذیرفتید، پس به جای سرزنش من، خویشتن را سرزنش کنید، و امروز هیچ کدام نمی‌توانیم به فریاد دیگری برسیم. و بدین سان، چاره‌ای جز تن دادن به کیفر کفر و نافرمانی خودشان نمی‌بینند و جاودانه در عذاب می‌مانند.

سوره کهف:

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَ  
سَاءَتِ مَرْتَفَعًا (۲۹)

ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم که سرپرده‌اش آنها را از هر سو احاطه کرده است، و اگر تقاضای آب کنند آبی برای آنها می‌آورند همچون فلز گداخته که صورتها را بریان می‌کند، چه بد نوشیدنی است و چه بد محل اجتماعی؟!

متن روایت پیامبر اکرم (ص) در مورد برانگیخته شدن انسان در روز قیامت به صورت حیوانات:

- ۱- سخن چینان (که به شکل میمون در می‌آیند).
- ۲- حرام خواران (که به شکل خوک در می‌آیند).

- ۳- ربا خواران (وارونه وارد محشر میشوند).
- ۴- حاکمان جور (کور به عرصه محشر می آیند).
- ۵- افراد خودخواه و خود پسند (گنگ و کر محشور میشوند).
- ۶- عالمان بی عمل (زبانشان را می جووند و چرک از دهانشان بیرون می آید).
- ۷- آزار دهندگان همسایه (با دست و پای بریده وارد میشوند).
- ۸- آنهایی که دوبهم زنی کرده اند (به شاخه ای از آتش آویزان می شوند).
- ۹- شهوت پیشگان و کسانی که خمس و زکات خود را نمی پردازند (با بویی بد تر از مردار وارد محشر میشوند).
- ۱۰- تکبر کنندگان (لباسهای آتشین بر آنها می پوشانند).

#### گفتگوی بهشتیان و جهنمیان

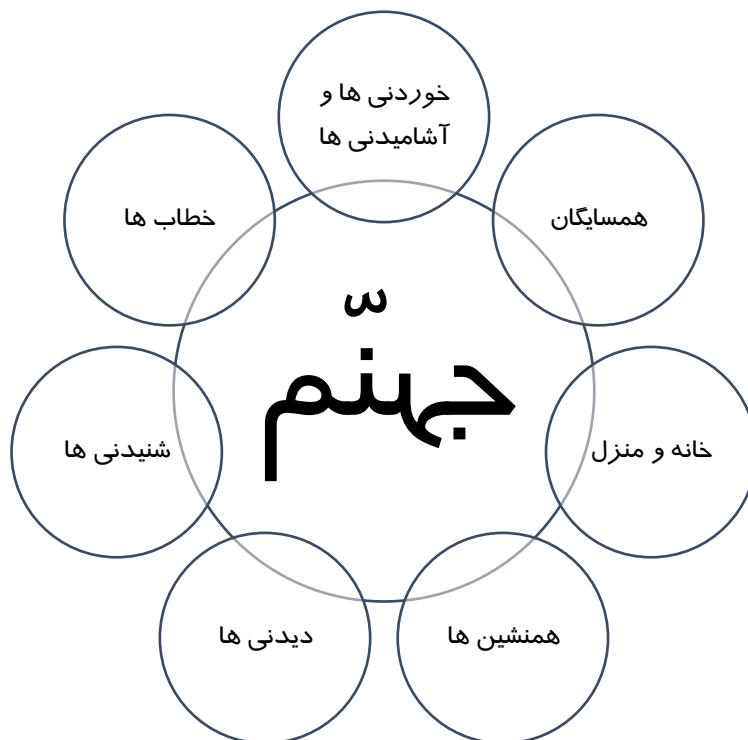
##### سوره اعراف

وَ نَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۴۴) ... وَ نَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و بهشتیان به دوزخیان صدا می زنند که ما آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود همه را حق یافتیم، آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟! در این هنگام ندا دهنده ای در میان آنها ندا می دهد که لعنت خدا بر ستمگران باد... و دوزخیان، بهشتیان را صدا می زنند که (محبت کنید) و مقداری آب یا از آنچه خدا به شما روزی داده به ما ببخشید، آنها (در پاسخ) می گویند خداوند اینها را بر کافران تحریم کرده است.



تفاوت های بهشت و جهنم را در موارد زیر مورد تحقیق قرار دهید.



### مسیر جهنم

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ (۳۸) اِلَّا اَصْحَابَ الْيَمِيْنِ (۳۹) فِيْ جَنّٰتٍ يَّتَسَاءَلُوْنَ (۴۰) عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ (۴۱) مَا سَلَكَكُمْ فِيْ سَفَرٍ (۴۲) قَالُوْا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّيْنَ (۴۳) وَّ لَمْ نَكُ نَطْعَمُ الْمِسْكِيْنَ (۴۴) وَّ كُنَّا نَخُوْضُ مَعَ الْخَائِضِيْنَ (۴۵) وَّ كُنَّا نُكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّيْنِ (۴۶) [سوره مدثر]

وقتی از اهل دوزخ می پرسند که از کدام راه آمدید که راهتان به جهنم رسید؛ جواب می دهند:

اهل نماز نبودیم

به مستمندان کمک نمی کردیم

با اهل باطل همنشین بودیم

روز قیامت را تکذیب می کردیم

## پایان

برخی منابع استفاده شده

قرآن کریم

نهج البلاغه

اصول کافی

صحیفه سجادیه

مفاتیح الجنان

اندیشه اسلامی ۱

آموزش عقاید آیت الله مصباح یزدی

معاد در قرآن آیت الله جوادی آملی (جلد ۴ و ۵)

عقاب الاعمال و ثواب الاعمال

.....